

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

علوم و فنون ادبی (۲)

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی – علوم و معارف اسلامی

پایه بازدهی

دوره دوم متوسطه



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

علوم و فنون ادبی(۲) پایه یازدهم دوره دوم متوسطه ۱۱۱۲۰۳-
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
محی الدین بهرام محمدیان، حسین قاسم‌پور مقدم، رضا مراد صحرانی، عباسعلی وفایی، سهیلا
صلاحی مقدم، مریم عاملی رضائی، شهین نعمت‌زاده، مریم انشگ، محمد رضا سنگری، شهرناز
عبداتی، حجت حصاری کجانی، نادر یوسفی و محمد نوریان(اعضای شورای برنامه‌ریزی)
حسین قاسم‌پور مقدم، نادره شاه‌آبادی، احمد تمیم‌داری، فردیون اکبری شلدره، غلام‌رضاعمرانی،
علی‌اکبر کمالی نهاد و علی واسجویباری(اعضای گروه تألیف)- حسین داوودی(ویراستار)

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
احمدرضا آمینی (مدیر امور فنی و جاب) - جواد صفری (مدیر هنری و طراح جلد) - الهه بعقوبی نیما
(صفحه آرا) - مرضیه اخلاقی، سیف‌الله بیک محمد دلیویاند، حسین قاسم‌پور اقدم، کبری اجانبی، مریم
دهقان‌زاده و راحله زادفتح الله (امور آماده‌سازی)

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۳۰۹۶۶-۱۶۱، دورنگار: ۱۵۸۴۷۷۲۵۹

ویگا: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱
(داروپخش) تلفن: ۰۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۰۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهماهی خاص»

چاپ دوم ۱۴۷

نام کتاب:
پدیدآورنده:
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

مدیریت آماده‌سازی هنری:
شناسه افزوده آماده‌سازی:

نشانی سازمان:

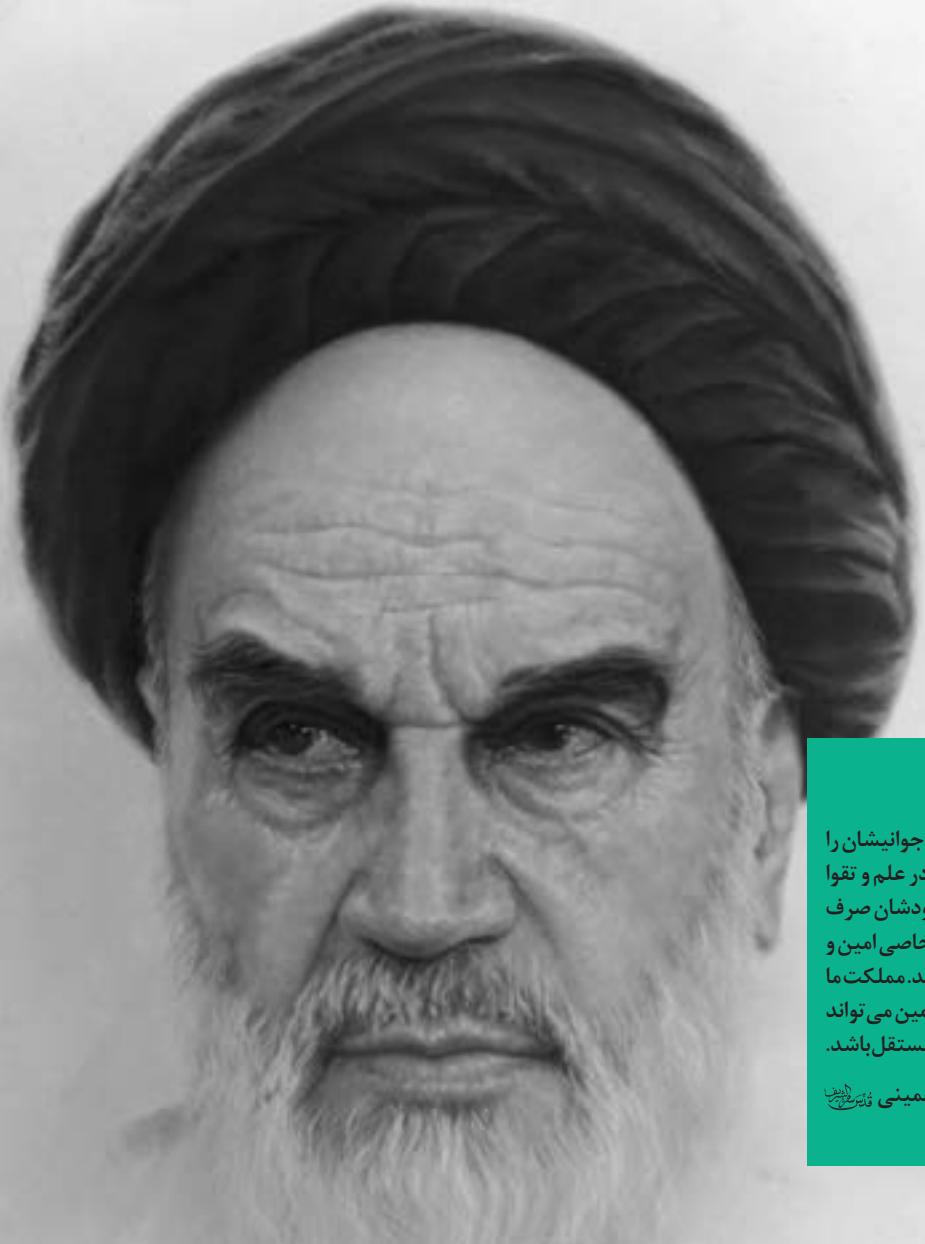
ناشر:

چاپخانه:

سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۶۸-۹

ISBN: 978-964-05-2768-9

A black and white portrait of Ayatollah Ruhollah Khomeini, showing him from the chest up. He has a long, full white beard and is wearing a large, dark turban. His eyes are looking slightly to the left of the camera.

جوان‌ها قدر جوانی‌شان را
بدانند و آن را در علم و تقوای
و سازندگی خودشان صرف
کنند که اشخاصی امین و
صالح‌بیشوند. مملکت ما
با اشخاص امین می‌تواند
مستقل باشد.

امام خمینی فاطمه

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز، ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

۶ پیشگفتار: سخنی با دبیران ارجمند

۱۰ ستایش: الهی

۱۱ فصل پنجم:

۱۲ درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم

۲۰ درس دوم: پایه‌های آوایی

۲۶ درس سوم: شبیه

۳۴ کارگاه تحلیل فصل

۳۵ فصل دوم:

۳۶ درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های هفتم، هشتم و نهم (سبک عراقی)

۴۲ درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱)

۵۱ درس ششم: مجاز

۵۵ کارگاه تحلیل فصل

۵۷ فصل سوم:

۵۸ درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم

۶۳ درس هشتم: پایه‌های آوایی همسان (۲)

۷۱ درس نهم: استعاره

۷۷ کارگاه تحلیل فصل

۷۹ فصل چهارم:

۸۱ درس دهم: سبک‌شناسی قرن‌های دهم و یازدهم (سبک هندی)

۸۸ درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دو لختی

۹۵ درس دوازدهم: کنایه

۱۰۰ کارگاه تحلیل فصل

۱۰۸ نیایش

۱۰۹ منابع



پیشگفتار

سخن با جمیعت از



برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی در نظام آموزشی ایران اسلامی، جایگاهی ارزشمند دارد؛ چرا که از یک سو حافظ میراث فرهنگی و از سوی دیگر مؤثرترین ابزار انتقال علوم، معارف، ارزش‌های اعتقادی، فرهنگی و ملی است. ادب و فرهنگ ایران اسلامی، عصارة افکار و اندیشه‌های ملتی فرهیخته و دانشور است که در نشیب و فراز حادثه‌ها، با تکیه بر باورهای ریشه‌دار خویش، میراثی ارجمند و گران سنگ را به یادگار گذاشته است. توانایی و مهارت در خوانش، بررسی و تحلیل این آثار ارزشمند، خواننده را با گنجینه گران‌بهای متون ادبی گذشته و امروز آشنا می‌سازد و او را به سیر و سلوک در آفاق روشن و گسترده معرفت و حقیقت توانمند می‌نماید. برای تحقق این هدف برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی، بایسته و شایسته است دانش آموزان ضمن آشنا شدن با علوم ادبی، در فنون ادبی نیز مهارت لازم را کسب کنند تا از این طریق بتوانند در زندگی خود با آثار ادبی برخور迪 مناسب داشته باشند.

بر این اساس، کتاب علوم و فنون ادبی پایه یازدهم، از چهار فصل تشکیل شده است. محتوای هر فصل نیز شامل سه درس به صورت



ترکیبی از علوم و فنون ادبی به شرح زیر است:

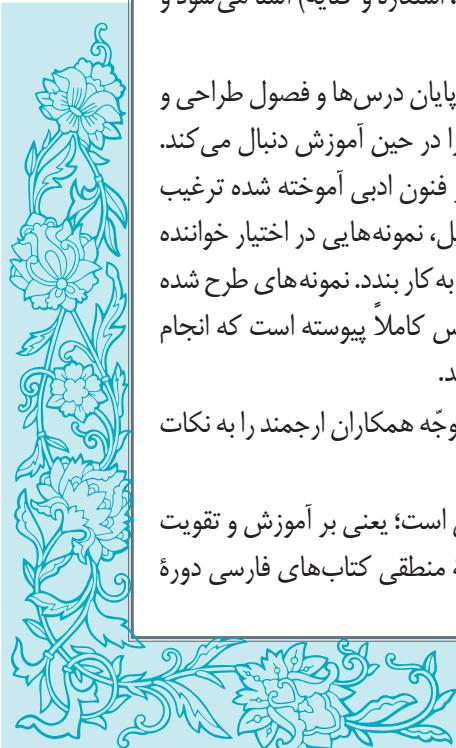
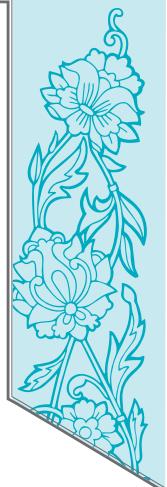
- درس یکم: تاریخ ادبیات و سبک شناسی؛
- درس دوم: موسیقی شعر؛ (عروض)
- درس سوم: زیبایی شناسی شعر. (آرایه‌های ادبی)

هر فصل با درس تاریخ ادبیات یا سبک شناسی آغاز می‌شود. در درس‌های تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، سیر تاریخی زبان و ادبیات فارسی از قرن هفتم تا یازدهم تبیین می‌شود و در کار ویژگی‌های تاریخی، به ویژگی‌های سبکی آثار نظم و نثر ادبی نیز پرداخته می‌شود. به این ترتیب خواننده با ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری متون ادبی آشنا می‌شود. بدین ترتیب در هر فصل بعد از تاریخ ادبیات یا سبک‌شناسی، یک درس عروض آموزش داده می‌شود تا خواننده با یادگیری آن بتواند در برخورد با متون نظم وزن آن را تشخیص دهد، سپس درس سوم هر فصل به زیبایی شناسی می‌پردازد. در زیبایی شناسی دانش آموز با سطحی دیگر از قلمرو ادبی؛ یعنی با عناصر علم بیان (تشییه، مجاز، استعاره و کنایه) آشنا می‌شود و آموخته‌هایش را در متون ادبی به کار می‌بندد.

برای تعمیق آموخته‌ها مجموعه فعالیت‌هایی در متن و پایان درس‌ها و فصول طراحی و تدوین شده است. فعالیت‌های متن درس مطالب خاصی را در حین آموزش دنبال می‌کند. فعالیت‌های پایان دروس دانش آموز را به کسب مهارت در فنون ادبی آموخته شده ترغیب می‌کند. فعالیت‌های پایان فصول نیز با عنوان کارگاه تحلیل، نمونه‌هایی در اختیار خواننده می‌گذارد تا موارد آموخته شده در کل فصل را به طور عملی به کار بندد. نمونه‌های طرح شده در فعالیت‌ها، برگرفته از متون ادبی است و با محتوای درس کاملاً پیوسته است که انجام دقیق این تمرین‌ها به درک و فهم بهتر متن، کمک می‌کند.

به همین منظور و برای اثربخشی بهتر فرایند آموزش، توجه همکاران ارجمند را به نکات زیر، جلب می‌کنیم:

- رویکرد خاص برنامه فارسی آموزی، رویکرد مهارتی است؛ یعنی بر آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی، فرازبانی و ادبی تأکید دارد و ادامه منطقی کتاب‌های فارسی دوره



ابتدایی، دوره متوسطه اول و پایه دهم است؛ به همین روی، لازم است همکاران گرامی از ساختار و محتوای کتاب‌های پیشین، آگاهی داشته باشند.

رویکرد آموزشی کتاب، رویکرد فعالیت بنیاد و مشارکتی است؛ بنابراین، طراحی و به کارگیری شیوه‌های آموزشی متنوع و روش‌های همیاری و گفت‌و‌گو توصیه می‌شود. حضور فعال دانش‌آموزان در فرایند یاددهی — یادگیری، کلاس را سرزنشه، بانشاط و آموزش را پویاتر می‌سازد و به یادگیری، ژرفای بیشتری می‌بخشد.

با توجه به رویکرد مهارتی، آنچه در بخش بررسی متن اهمیت دارد؛ کالبد شکافی عملی متون است. در این بخش فرصت می‌یابیم تا متن‌ها را پس از خوانش، در سه قلمرو بررسی کنیم. این کار، سطح درک و فهم فراگیران را نسبت به محتوای اثر، فراتر خواهد برد. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌های بررسی، کالبد شکافی و تحلیل هر اثر، این است که متن در سه قلمرو بررسی شود: زبانی، ادبی و فکری.

۱. قلمرو زبانی

این قلمرو، دامنه گسترده‌ای دارد؛ از این رو، آن را به سطوح کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم:

(الف) سطح واژگانی: در اینجا، لغت‌ها از نظر فارسی یا غیرفارسی بودن، نوع ساختمان (садه، مشتق و مرکب)، روابط معنایی کلمات از قبیل ترادف، تضاد، تضمن، تناسب، نوع گزینش و همچنین درست‌نویسی واژه‌ها بررسی می‌شود. (ب) سطح دستوری یا نحوی: در اینجا، متن از دید ترکیبات و قواعد دستوری، کاربردهای دستوری تاریخی و کوتاهی و بلندی جمله‌ها بررسی می‌شود.

۲. قلمرو ادبی

در اینجا، شیوه نویسنده در به کارگیری عناصر زیبایی آفرین در سطوح‌های زیر، بررسی می‌شود:

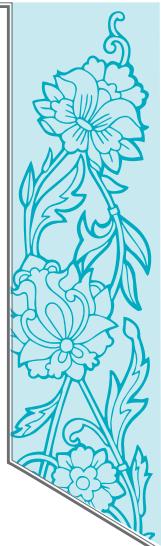
(الف) سطح آوایی یا موسیقیایی: در این مرحله، متن را از دید وزن، قافیه، ردیف و آرایه‌های بدیع لفظی مثل واج‌آرایی، تکرار، سجع، جناس، و... بررسی می‌کنیم. (ب) سطح بیانی: بررسی متن از دید مسائل علم بیان نظریه تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه؛ پ) سطح بدیع معنوی: بازخوانی متن از دید تناسب‌های معنایی همچون تضاد، ایهام، مراعات نظری و ...



۳. قلمرو فکری

در این مرحله، متن از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، اعتقادات، گرایش‌ها، نوع نگرش به جهان و دیگر جنبه‌های فکری، بررسی می‌شود.

■ در آموزش، به ویژه، در درس‌های تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، از بیان مطالب اضافی که به انباست دانش و فراسایش ذهنی دانش آموزان، منجر می‌شود، پرهیز گردد. امیدواریم آموزش این کتاب، به رشد و شکوفایی زبان و ادب فارسی و پرورش شایستگی‌ها در نسل جوان، یاری رساند و به گشایش کرانه‌های امید و روشنایی، فراروی آینده سازان ایران عزیز بینجامد.



گروه زبان و ادبیات فارسی
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

www.literature-dept.talif.sch.ir



ستایش

الهی!

الهی شعله شوقم فزون ساز
الهی ذرهای آگاهی ام بخش
ز دانش گوهر پاکم برافروز
عطای کن جذبہ شوق بلندی
خود را چاشنی بخش از کلامم
دلم را چشمء نور یقین ساز

طالب آملى

فصل یکم

تاریخ ادبیات فارسی در قرن های ۷، ۸ و ۹

درس یکم پایه های آوایی

درس دوم تشبیه

درس سوم

* کارگاه تحلیل فصل

درس یکم

تاریخ ادبیات فارسی در قرن های هفتم، هشتم و نهم

قرن هفتم

سال گذشته با تاریخ ادبیات ایران در قرن های اولیه هجری تا قرن ششم آشنا شدیم و دریافتیم که برخی از عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت های غزنوی و سلجوقی و تغییر مرکز ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم، زمینه های تغییر سبک را در متون زبان فارسی پدید آورد و خواندیم که سبک های «بینایین» و «آذری اجانی» از «سبک خراسانی» فاصله گرفتند و کم کم «سبک عراقي» پدید آمد.

سبک عراقي از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم به مدت ۳۰۰ سال سبک غالب متون ادب فارسی بود. مغلان در اوایل قرن هفتم (۶۱۶-ق.ه.) به نواحی مرزی ایران حمله کردند و بعد به تدریج بر نواحی دیگر هم چیرگی یافتد و به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی ایران آسیب های عمده ای رساندند. خراسان که کانون فرهنگی ایران بود، ویران شد و بسیاری از مدارس، که مهد علم و فرهنگ بودند، از بین رفتند و بزرگانی چون نجم الدین کبری و فرید الدین عطار نیشابوری در بورش ویرانگر مغول، کشته شدند. کمال الدین اسماعیل، مذاج جلال الدین خوارزمشاه که



خود در سال ۶۳۵ ه. ق. به دست مغولان در اصفهان کشته شد، درباره قتل عام سال ۶۳۳ ه. ق. مغولان در اصفهان می‌گوید:

کس نیست که تا بروطن خود گرید
دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود

با حملهٔ ویرانگر مغولان و بعد از آن، هجوم وحشیانهٔ تیمور و حکومت ظالمانهٔ این دو،
نه تنها بنها و آبادانی‌ها، بلکه بنیان فرهنگ و اخلاق نیز تباہ و ویران گردید و دوستداران
فرهنگ و اخلاق که سرخورده و مأیوس شده بودند، اغلب منزوی شدند و به تصوّف پناه
بردند تا به آرامش برستند و برای تسکین خود به ادبیاتی روی آوردند که بر عواطف انسانی،
ترویج روحیهٔ تسامح^۱ و تساهل^۲، خدمت به خلق، آزادگی و اعتقاد به بی‌ثباتی دنیا تکیه داشت.
در اوآخر دورهٔ مغول، بساط حکومت آخرین خلیفهٔ عباسی، المستعصم بالله، برچیده شد و
با توجه به پایان یافتن خلافت، زبان رسمی و رایج عربی و نگارش به آن از رواج افتاد و توجه
به زبان فارسی که زبان تودهٔ مردم بود، رونق بیشتری گرفت.

دلیل نام‌گذاری سبک این دوره به «عراقی» این است که بعد از حملهٔ مغول کانون‌های
فرهنگی از خراسان به عراق عجم منتقل شد. (اولین نشانه‌های تغییر سبک از زمان سلجوقیان
آغاز شده، اما خراسان هنوز به طور کامل ویران نشده بود) و شاعران و نویسنده‌گان بزرگ در
این دوره غالباً از اهالی شهرهای عراق عجم (اصفهان، همدان، ری، اراک کتونی و ...) بودند.
وضعیت زبان و ادبیات فارسی در این دوره، مثل بسیاری از دانش‌های دیگر، با دوره‌های
پیش از خود متفاوت شد و به نوعی دچار سستی و نابسامانی گردید؛ چرا که بسیاری از
دانشمندان و ادبیان کشته و یا متواری شدند و دیگر از دربارهای ادب‌دوست و خاندان‌های
فرهنگ‌پرور خبری نبود؛ اما در کنار این عوامل مخرب و منفی، در این دوره عوامل مثبتی
نیز وجود داشت که رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادبیان و اندیشمندان را موجب شد. با انتقال
قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در ناحیهٔ عراق عجم گسترش یافت
و در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آنها آثار ارزشمندی پدید آمد و زمینه‌هایی برای

۱. مدارا

۲. آسان گرفتن بر یکدیگر



تغییر سبک از خراسانی به عراقی ایجاد شد. در این زمان قالب‌های جدیدی نیز در شعر و نثر پدید آمد.

شعر این عصر نرم و دلنشیں و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی شد و اکثر شاعران از حاکمان روی بر تاختند. در نتیجه قصیده که پیش از این در خدمت ستایش فرمانروایان بود، کمنگ شد و غزل که زبان دل و عشق بود، گسترش یافت؛ البته قالب مثنوی نیز برای ظهر عاطفه، اخلاق و عرفان میدان فراخی پدید آورد و در نمونه‌های ارزشمندی مانند مثنوی مولوی، حماسه‌ای عرفانی سروده شد که قهرمانش، انسان پاک‌نهاد و خداجویی است که به نبرد با هواي نفس می‌پردازد.

نشر در این دوره بیشتر به دو جریان گرایش پیدا کرد: یکی: «ساده‌نویسی» در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصاد‌العباد و دیگر: «پیچیده‌نویسی»، با محتوای عمدتاً تاریخ حاکمان وقت که در آثاری همچون تاریخ و صاف و تاریخ جهانگشای جوینی دیده می‌شود.

معروف‌ترین شاعران و نویسندهای این دوره:

مولانا جلال الدین بلخی معروف به مولوی

از شاخص‌ترین شاعران عارف است، که در دو محور اندیشه و احساس آثار جاودانه‌ای پدید آورد. او در مثنوی معنوی و دیوان شمس، بسیاری از معارف بشری و مسائل عرفانی را بیان کرده است.

سعدی

فرمانروای ملک سخن، سی‌وپنج سال گرد جهان گشت، تجربه اندوخت و از هر خرمنی خوش‌های چید و گلستان را به نثر مسجع و بوستان را در قالب مثنوی پدید آورد؛ دو اثر ارزشمندی که به ما درس اخلاق و حکمت را می‌آموزد. استاد سخن نه تنها در ادبیات تعلیمی سخن‌گوی ضمیر خودآگاه ایرانی است، در سروden غزل‌های عاشقانه نیز سرآمد

شاعران و نویسندهای فارسی زبان است. وی در بیشتر قالب‌های ادبی طبع آزمایی کرده و شاهکارهای ماندگاری در ادب فارسی به یادگار گذاشته است.

فخرالدین عراقی

از دیگر شاعران نام آور این دوره و صاحب غزل‌های عرفانی زیبا است. مثنوی عشق‌نامه او مشهور است. او در هر فصل این مثنوی به یکی از مباحث عرفانی پرداخته و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان رسانده است. همچنین در کتاب لمعات خود سیر و سلوک عارفانه را در قالب نظم و نثر بیان کرده است.

نجم‌الدین رازی (معروف به نجم‌دایه)

از منشیان و نویسندهای توانا و از عارفان وارسته این دوره است. او کتاب مرصاد‌العباد من المبدأ إلى المعاد را در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشت. نثر کتاب گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در خلال موضوعات کتاب، احادیث، آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند. این اثر که نشری شیوه، آراسته و دل‌انگیز دارد، در بین متون عارفانه از مرتبه‌ای والا برخوردار است.

عظاملک جوینی

از نثرنویسان این دوره است. خاندان او از افراد بانفوذ حکومت مغولان بود. وی از نوجوانی به کارهای دیوانی پرداخت و در سفرهای متعددی حضور داشت و اطلاعات فراوانی درباره تاریخ مغولان کسب کرد، که موجب تألیف کتاب تاریخ جهانگشا شد. این کتاب در شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح نوشته شده است. نثر این کتاب مصنوع و دشوار است.

خواجه رشید‌الدین فضل‌الله همدانی

یکی دیگر از چهره‌های علمی و سیاسی در عصر ایلخانان به شمار می‌رود. وی وزیر مقتصدر غازان خان و اولجایتو بود. مهم‌ترین کتاب او جامع التواریخ نام دارد که به نثری عالمانه و پخته نوشته شده است. اقدام مهم فرهنگی او تأسیس عمارت ربع رشیدی در تبریز است که در حکم دانشگاه آن زمان بوده است.

شمس قیس رازی

از نویسندهای زبردست این دوره است و اثر معروفش، *المعجم فی معايیر اشعار العجم*، از نخستین و مهم‌ترین آثار در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر است که نشری ساده و عالمانه دارد.

قرن هشتم

در این دوران به دلیل بی‌اعتقادی برخی از ایلخانان مغول و بی‌تعصّبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج، فرصتی پدید آمد تا صاحبان مذهب‌های مختلف عقاید خود را ابراز کنند. قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی نیز عرصهٔ وسیعی یافت، به‌طوری که از شباهقاره هند تا آسیای صغیر، بسیاری به این زبان سخن می‌گفتند، ضمن اینکه مناطقی از ایران (عراق عجم)، به‌ویژه شهر شیراز همچنان در حکم مرکز ادبی این عصر به شمار می‌رفت. از بین رفتن دربارهای ادب‌دوست ایرانی تبار، از رونق افتادن قصیده سرایی رادر پی داشت و زبان شعر جز در سروده‌های شاعران شاخص، مانند خواجو و حافظ، به سستی گرایید.

خواجوی کرمانی

از غزل‌پردازان بر جسته این دوره است؛ شاعری که غزل‌های او بر حافظ نیز تأثیرگذار بوده است.

خواجو چند مشنوی به پیروی از پنج گنج نظامی سروده که نشان‌دهنده استادی او در شاعری است. شعر او در مجموع، کمال یافته و پخته است.

ابن‌یمین

شاعر عصر سربداران، مردی دهقان‌پیشه بود که قدرت شاعری خود را در قطعات اخلاقی آشکار کرده است. وی در شعر خود قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیا را مورد تأکید قرار می‌دهد:

مرد آزاده در میان گروه گرچه خوش‌خو و عاقل و داناست،

محترم آنگه‌ی تواند بود
که از ایشان به مالش استغناست
وان که محتاج خلق شد، خوار است
گر چه در علم، بوعلی سیناست

حافظ

از شاعران سرآمد این قرن است. او با تلفیق عشق و عرفان، غزل فارسی را به کمال رسانید. لحن سخن او گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح طلبی است. در غزل او، فرهنگ گذشته ایران با همه کمال ایرانی - اسلامی خود رخ می‌نماید و شعرش به قول خود او «همه بیت‌الغزل معرفت» است:

شعر حافظ همه بیت‌الغزل معرفت است آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش

سلمان ساوجی

از دیگر شاعران این دوره است که در غزل توجه خاصی به سعدی و مولوی داشته و دارای قصایدی نیز در سبک عراقی است. مثنوی جمشید و خورشید او به شیوه داستان‌های نظامی سروده شده است.

عیید زاکانی

شاعر خوش‌ذوق و آگاهی است که نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی او معروف است. شاعری که نامالایمات اوضاع آشفته روزگار خود را بر نمی‌تابت و تزویر و ریاکاری حاکمان را در آثارش به تصویر می‌کشید.

او در منظومه موش و گربه ناهنجاری‌های اجتماعی را به شیوه طنز و تمثیل بیان کرده است. این شوخ‌طبع آگاه نه تنها در شعر، که در نثر نیز دارای طنزهای ماندگاری است و رساله دلگشا، اخلاق‌الاشراف و صدپند از آن جمله‌اند.

حمدالله مستوفی

از مورخان مشهور ایران و نویسنده کتاب تاریخ گزیده است. این کتاب تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی عباس و تاریخ ایران را تا سال ۱۳۰ هـ.ق. در بر می‌گیرد.

قرن نهم



بعد از غارت‌ها و ویرانگری‌های مغولان، ایران دستخوش حمله بنیان برانداز دیگری شد و بر اثر آن بنیهٔ فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشور یکسره نابود گردید. این حادثه به وسیلهٔ تیمور گور کانی صورت گرفت و آنچه پس از حملهٔ مغول سالم یا نیمه سالم مانده مثل فارس و یا در زمان ایلخانان مغول (جانشینان چنگیز) مختصر تجدید حیاتی یافته بود، همه از میان رفت. تیموریان تقریباً از نیمه دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم در ایران حکومت کردند و ویرانگری‌های آنها ادامه داشت. البته بازماندگان تیمور، همچون بازماندگان چنگیز، کم‌ویش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و بعد از مدتی در ایران متبدن شدند. در عهد آنان، علاوه بر گسترش هنرها‌ی چون مینیاتور، معماری و تذهیب، تاریخ‌نویسی نیز ادامه یافت و ادبیات رونقی تازه گرفت و کسانی مانند جامی و دولتشاه کتاب‌های ارزشمندی نوشتند؛ هرچند این رونق، بنیادی نبود و کتاب‌های تحقیقی این دوره عمدتاً سطحی و ادبیات دوره نیز تقلیدی و فاقد نوآوری بود.

پس از مرگ تیمور، شاهرخ توانست شهر هرات را مرکز فرمانروایی خود قرار دهد. او با علاقه‌ای که به هنر و فرهنگ اسلامی پیدا کرده بود، از هنرمندان خوش‌نویس، نقاش و شاعر حمایت نمود. بایسنقر میرزا پسر او نیز هنرمند و هنردوست بود و در زمان او هنرمندان، قرآن کریم و شاهنامهٔ فردوسی را به خط خوش نگاشتند و با تصاویری زیبا آراستند و آثاری ماندگار از هنر اسلامی عرضه کردند.

از شاعران و نویسندهای معروف این دوره افراد زیر را می‌توان نام برد:

جامی

معروف‌ترین شاعر این قرن، کتاب بهارستان را به تقلید از گلستان سعدی نوشت و در کتاب نفحات الانس خود نیز شیوهٔ تذكرة‌الاولیای عطار را در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان به کار برد. او همچنین مثنوی‌هایی به پیروی از نظامی سرود که تحفة‌الاحرار یکی از آنهاست:

گفت به مجnoon صنمی در دمشق، کای شده مستغرق دریای عشق،

عاشق و معشوق در این پرده کیست؟
گفت که ای محو امید و هراس،
اول و آخر همه عشق است و بس

عشق چه و مرتبه عشق چیست؟
عاشق یکرنگ و حقیقت‌شناس
نیست به جز عشق در این پرده کس

شاه نعمت‌الله ولی

از دیگر شاعران این دوره است که در تصوّف و طریقت مقامی بلند داشته و سرسلسله صوفیان نعمت‌اللهی به شمار می‌رود. دیوان شعرش مضامین عرفانی دارد.

دولتشاه سمرقندی

از نویسنده‌گان این قرن است که تذکره دولتشاه را به تشویق امیر علی شیر نوایی نوشته است. این کتاب شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف است.

خودارزی‌یابی

- ۱ حملهٔ مغول بر محتوای شعر و نثر قرن هفتم چه تأثیراتی گذاشت؟
- ۲ دو جریان نثر قرن هفتم را از نظر ویژگی‌های زبانی بررسی کنید.
- ۳ شعر سبک عراقی را با شعر سبک خراسانی از نظر قالب مقایسه کنید.
- ۴ فکر و اندیشهٔ غالب بر آثار مولانا جلال الدین را بیان کنید.
- ۵ چه عواملی سبک ادبیات فارسی را از خراسانی به عراقی تغییر داد؟ آنها را بررسی کنید.
- ۶ کدام یک از ویژگی‌های فکری سبک عراقی موجب پیدایش عرفان در قرن هفتم شد؟
- ۷ جدول زیر را تکمیل کنید:

| موضوع و محتوا | نوع نشر کتاب | نام نویسنده | |
|---------------|--------------|-------------|---------------|
| | | | گلستان |
| | | | مرصاد العباد |
| | | | تاریخ جهانگشا |

درس دوم

پایه‌های آوای



به شکل زیر نگاه کنید و نظمی را که در صدای حرکت قطار و پی هم آمدنِ واگن‌ها وجود دارد، به یاد بیاورید.



هنگامی که صدای پیوسته و یکنواخت حرکت قطار در ذهن مرور می‌شود، نظمی را در رفتار و صدای آن، درک می‌کنیم. با کمی درنگ و تأمل در پدیده‌ها و عناصر طبیعی، گونه‌ای نظم و سامان در رفتار آنها درک می‌شود؛ مثلاً پی هم آمدن شب و روز، گردش فصل‌ها، حرکت آهنگین عقربه‌های ساعت، حرکت پایی دوچرخه‌سوار و بازگشت متواالی آن به نقطهٔ نخست، موزون و موسیقایی است و نوعی تداوم و تکرار منظم را به چشم و گوش شنونده، می‌رسانند، که معمولاً، گوشنواز و دلنشیین‌اند.

کلام منظوم یا شعر هم که آهنگین و موسیقایی است، پایه‌ها و پاره‌های آوای موزون دارد؛ هماهنگی این پایه‌ها در شعر، به گونه‌ای است که انسان، با شنیدن یا خواندن آنها احساس لذت می‌کند. به هنگام رویارویی با شعر، باید



بکوشیم خود را در فضای آهنگین آن قرار دهیم. در خواندن نیز با همان نظم موسیقایی، خوانش آن را پیش ببریم.

بیت‌های زیر را می‌خوانیم:

ای ساربان، آهسته ران، کارام جانم می‌رود
وآن دل که با خود داشتم، با دل ستانم می‌رود
من مانده‌ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او
گویی که نیشی دور از او، در استخوانم می‌رود
کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می‌رود
محمل بدار ای ساروان، تندي مکن با کاروان

سعده

اکنون همین شعر را بازخوانی می‌کنیم و به آهنگی که از خوانش آن احساس می‌شود،
گوش می‌سپاریم:

| | | | |
|------------------|--------------|----------------|-----------------|
| نَمْ مِيْ رَوَدْ | كَارَامْ جَا | آهِسْ تِ ران | إِيْ سَارِ بَان |
| نَمْ مِيْ رَوَدْ | با دِل سِ تا | خُدْ داشْ تَمْ | وَان دِل كِ با |

همان گونه که دیده و شنیده می‌شود، با خوانش درست شعر، به درنگ منظّم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجاهای وجود دارد، پی‌می‌بریم. خانه‌ها، به گونه‌ای منظّم کنار هم چیده شده‌اند؛ به هر یک از این خانه‌ها پایه یا رکن عروضی می‌گویند. پایه‌ها مانند آجرهایی هستند که در ساخت بنای شعر، به کار می‌روند. وزن شعر در حقیقت حاصل چینش منظم این پایه‌های آوابی یا ارکان عروضی است.

اکنون به نمونه‌های زیر و چگونگی شکل‌گیری پایه‌های آوابی و نظم آنها، توجه کنید:

۱ هر که چیزی دوست دارد، جان دل بروی گمارد

هر که محاباش تو باشی، سرز خلوت بر نیارد

سعده

| | | | |
|----------------|-----------------|-----------------|----------------|
| وِي گُ ما رَدْ | جا نُ دِل بَرْ | دو سَت دَارَدْ | هَر كِ چَي زَي |
| بَشْ تُ با شَي | سَرْ زِ خَل وَت | بَرَنَ يَا رَدْ | هَر كِ مَح رَا |

ز کوی یار می آید، نسیم باد نوروزی

از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل بر افروزی

حافظ

| | | | |
|---------------|--------------|---------------|------------|
| دِ نو رو زی | نَ سی مِ با | ر می آید | ز کوی یا |
| بَ رَفِ رو زی | جِ رَاغِ دِل | مَ دَدْخَاهِی | آزین باَدر |

۳ خدایا تو دانی که بر ما چه آمد خدایا تو دانی که ما را چه می شد؟

مولوی، غزلیات شمس

| | | | |
|-----------|----------|---------|---------|
| جِ آمد | کِ بر ما | تُ دانی | خُ دایا |
| جِ می شُد | کِ ما را | تُ دانی | خُ دایا |

۴ یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا

مولوی

| | | | |
|-----------|---------------|------------|------------|
| خار مَ را | عشِ قِ جَ گَر | غار مَ را | یار مَ را |
| دار مَ را | خاَجِنِ گَه | غار تُ بَی | یار تُ بَی |

با خوانش درست ایيات و جداسازی پایه‌ها (ارکان)، درمی‌یابیم که بعد از هر پایه، درنگی وجود دارد. درنگ‌های پایان هر پایه یا رکن مرز پایه‌های آوایی را به ما نشان می‌دهند. پی‌هم قرار گرفتن پایه‌های آوایی و درنگ‌هایی که در پایان هر پایه می‌آید، موسیقی و آهنگی را در خوانش بیت‌ها پدید می‌آورد.

چگونگی تفکیک پایه‌ها و خوانش بیت‌ها، نظم دیداری و شنیداری را به ما نشان می‌دهند؛ این نظم سبب درک پایه‌های آوایی و لذت بردن از موسیقی متن، می‌شود.



خودارزیابی

با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی یا ارکان آن را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

(الف) ای خوش منادی‌های تو در باغ شادی‌های تو

بر جای نان شادی خورد جانی که شد مهمان تو
مولوی

| | | | |
|-------|------------|-------------|-------|
| | در با غ شا | | |
| | | شا دی خ رَد | |

(ب) دلم را داغ عشقی بر جین نه زبانم را بیانی آتشین ده
وحشی بافقی

| | | |
|----------|-------|-----------|
| ج بین نه | | |
| | | ز بانم را |

(پ) اسیرش نخواهد رهایی ز بند شکارش نجوید خلاص از کمند

سعدی

| | | | |
|-------|---------|---------|-------|
| | ر ها بی | | |
| | | ن جو يد | |

عطار

صدر عالم را درو آرام داد عنکبوتی را به حکمت دام داد

| | | |
|-------|---------------|-------|
| | را بِ حِكْمَت | |
| | | |

ث) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

حافظا

| | | | |
|-------|---------------|---------------|-------|
| | | بَرَفْ شَانِی | |
| | مُطَرْ حَنْوُ | | |

۲ با خوانش درست بیت‌ها، رکن‌های آن را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آن، طراحی نموده، هر پایه را در خانه خود جای دهید.

(الف) یا رب از عرفان مرا پیمانه‌ای سرشار ده چشم بینا، جان آگاه و دل بیدار ده
صائب

(ب) مکن پیش دیوار غیبت بسی بود کز پسش گوش دارد کسی
سعده

(پ) باران اشکم می‌دود وز ابرم آتش می‌جهد
با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را
سعده

(ت) هر کسی را سیرتی بنهاده ام هر کسی را اصطلاحی داده ام
مولوی

(ث) مرا گه گه به دردی یاد می‌کن که دردت مرهم جان می‌نماید

فخر الدین عراقی

۳ با توجه به آهنگ بیت‌های داده شده، با ذوق خود، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در خانه‌های خالی بنویسید.

۱ (الف) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست
کی طمع در گردش گیتی دون پرور کنم

حافظا

| | | | |
|-------------|-------|---------------|----------------|
| نے بِ دَسْت | | دَرِگِ دَائِي | مَنِ كِ دَارَم |
| وَرِكُ نَم | | | كِي طَ معَ دَر |

(ب) من امشب آمدستم وام بگزارم حسابت را کنار جام بگذارم

اخوان ثالث

| | | |
|---------------|--------------|----------------|
| | | مَ نِمِ شَبَ آ |
| م بُگِ دَارَم | كِ نَارِ جَا | |

پیامدهای حمله مغولان را بر زبان فارسی در قرن هفتم بررسی کنید. ۴



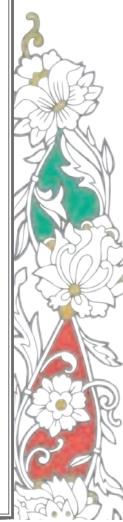
درس سوم

شمس



شاعران و نویسندها به زبان، نگاه زیباشناسانه دارند. آنها معانی ذهنی خود را با استفاده از آرایش‌های لفظی و معنوی و عناصر علم بیان به اشکال گوناگون به دیگران منتقل می‌کنند و کلام ساده و عادی را به سخنی ادبی و هنری تبدیل می‌کنند؛ برای مثال هنرمند ادیب بارش باران و طلوع خورشید را با چنین عباراتی بیان می‌کند:

| سخن ادبی | سخن عادی |
|--|------------------|
| ۱. ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست. ۲. مروارید باران از چشم ابر چکید. ۳. بهاران که شاباش ریزد سپهر به دامان گلشن ز رگبارها | باران بارید. |
| ۱. گل خورشید شکفت. ۲. پادشاه مشرق چهره نمود. ۳. خسرو خاور علم بر کوهساران زد. | خورشید طلوع کرد. |





از نظر ادبی شیوه‌های گوناگونی برای آفرینش تخیل و بیان معنا وجود دارد که مهم‌ترین آنها چهار آرایه تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه هستند و آنها را در حوزه علم بیان بررسی می‌کنند.

اکنون این جمله را با هم می‌خوانیم:

دانو چو طبله عطار است؛ خاموش و هنرنمای.

گلستان سعدی

در این نمونه سعدی با همانند کردن دانا و طبله عطار، آن دو را به هم تشبیه کرده است و ویزگی‌های خاموشی و هنرنمایی را در آنها مشترک می‌بیند و این شباهت را برای مخاطب محسوس‌تر و زیباتر بیان می‌کند. ادعای همانندی میان دو یا چند چیز را آرایه «تشبیه» می‌نامند. بهره‌گیری از تشبیه، سخن را خیال‌انگیز می‌کند.

در بیت زیر هم آرایه تشبیه را مشاهده می‌کنید:

صد هزاران دام و دانه است ای خدا ما چو مرغان حریص بی‌نوا

مولوی

هر تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده دارد و آنچه موجب زیبایی تشبیه می‌شود، وجه شباهتی است که شاعر و نویسنده به آن دست یافته است.

تشبیه چهار پایه یا رکن دارد:

۱ مشبه:

پدیده‌ای است که آن را به پدیده‌ای دیگر مانند می‌کنیم؛ مثل «ایام گل» در مصراع زیر:

ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد.

حافظ

۲ مشبهُ به:

پدیده‌ای است که مشبه را به آن مانند می‌کنیم؛ مثل «گل» در مصراع زیر:

تو هم‌چون گل ز خنیدن لبت با هم نمی‌آید.

سعدی

٣

ویژگی یا صفت مشترک میان مشبه و مشبّه به است که در مشبه به پرنگ‌تر و آشکارتر است؛ مانند «کریم» در مصراع زیر:

گرت زدست بر آید چو نخل باش، کریم.

گلستان سعدی

۴

واژه‌ای است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده به کار می‌بریم. واژه‌های: چو، مثل، مانند، گویی، همچون، بهسان، بهکدار و... از این دسته‌اند؛ برای مثال «چون» و «وش» در بیت زیر ارادت تشبیه‌اند.

این زبان چون سنگ و هم آهن وش است و آنچه بجهد از زبان، چون آتش است مولع.

مولوی

چهار رکن تشبیه را در مثال‌های زیر مشخص می‌کنیم:

- | | | | | |
|------------|-------------|------------|--------------------|------------------------------------|
| بلم | آرام | چون | قویی سبکبار | به نرمی بر سر کارون همی رفت |
| مشیه | وجه | مشیه به | مشیه به | وجه شیه فریدون تولی |

شب در تمام پنجره‌های پریده رنگ

سے
مانند یک تصوّر مشکوک

پیوسته در تراکم و طغیان بود.

شہزادہ

فروع فرخزاد

- و او به شیوه باران پر از طراوت تکرار بود.
مشبہ ادات مشبہ به وجہ شبہ تنسیہ

انواع تشپیه از نظر پایه ها (ارکان)

تشبیه را بر اساس این چهار پایه می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گسترده و فشرده.

الف) گستردہ

از میان رکن‌های تشبیه، ذکر مشبه و مشبّه به ضروری است؛ اما وجه شبّه و ادات تشبیه را می‌توان حذف کرد. به تشبیه‌ی که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، تشبیه گستردہ می‌گویند؛ نمونه‌های زیر از این نوع هستند:

زندگی آتشگهی دیرنده پا بر جاست /
گر بیفروزیش رقص شعله‌اش در هر کران پیداست /
ورنه، خاموش است و خاموشی گناه ماست.

سیاوش کسرائی

در این تشبیه سه رکن تشبیه وجود دارد و ادات حذف شده است.
نامت در چشممانم / چون لاله، سرخ / چون نسترن، سپید / و مثل سرو سیز می‌ایستد.
منوجه آتشی

مثال دیگر:

سینه باید گشاده چون دریا تا کند نعمه‌ای چو دریا ساز

هوشنگ ابتهاج

در تشبیه‌های بالا چهار رکن وجود دارد.

ب) تشبیه فشرده

تشبیه‌ی که فقط دورکن اصلی یعنی مشبه و مشبّه به دارد، تشبیه فشرده است. در عبارت: ای مهتر، آفتاب چراغ آسمان است و تو چراغ زمینی، آفتاب چراغ دنیاست، تو چراغ دینی.

کشف الاسرار مبیدی

حذف وجه شبّه و ادات تشبیه، تشبیه را خلاصه کرده است. به این نوع تشبیه، تشبیه بلیغ نیز می‌گویند. این تشبیه کلام را ادبی تر و زیباتر می‌کند.
تشبیه فشرده گاه به صورت اضافی (مضاف و مضافُ اليه) و گاه به صورت غیراضافی به کار می‌رود (تشبیه‌های غیراضافی معمولاً به صورت جمله استنادی هستند)؛ برای مثال:



کیمیای سعادت (اضافی)
سعادت، کیمیا است. (غیراضافی)
در مثال‌های زیر:

(الف) دست از مس و جود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

حافظ

(ب) آتش خشم اول در خداوند خشم افتاد؛ پس آنگه زبانه به خصم رسد یا نرسد.

گلستان سعدی

وجود به مس، عشق به کیمیا و خشم به آتش در ترکیب‌هایی اضافی مانند شده‌اند.

(ج) تو سرو جو بیاری، تو لاله بهاری تو یار غم‌گساری، تو حور دل‌بیاری

فرخی سیستانی

در این بیت نیز معشوق به سرو، لاله و حور تشبیه شده است.

چند نمونه دیگر از این نوع تشبیه در ادامه آمده است:

اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم گویندروی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟

سعدی

نگارش دهد گلین جو بیار در آینه آب رخسارها

علّامه طباطبائی

مادری دارم بهتر از بزرگ درخت / دوستانی بهتر از آب روان / و خدایی که در این نزدیکی است.

شهراب سپهری

تلمیذ بی ارادت عاشق بی زر است و رونده بی معرفت مرغ بی پر

گلستان سعدی





خود ارزیابی

۱ در ایيات زیر تشبیه‌های فشرده و گستردۀ را بباید و پایه‌های آنها را مشخص نمایید:

(الف) اگر چو مرغ بنالم، تو همچو سرو بمالی و گرچو ابر بگریم، تو همچو غنچه بخندی

خواجهی کرمانی

(ب) پیش کمان ابرویش لابه همی کنم؛ ولی

گوش کشیده است؛ از آن گوش به من نمی‌کند
حافظ

(پ) دل گرفتار بالای عشق توست جان شهید کربلای عشق توست
وفایی

۲ وجه شبه را در شعرهای زیر مشخص کنید:

(الف) صدا چون بوی گل در جنبش آب به آرامی به هر سو پخش می‌گشت
فریدون تولی

(ب) نفس کز گرم گاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک.
چو دیوار ایستاد در پیش چشمانت،
نفس کاین است، پس دیگر چه داری چشم
ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟

مهدي اخوان ثالث

۳ دو پایه اصلی تشبیه را در اشعار زیر مشخص کنید:

(الف) پشت هیچستان چتر خواهش باز است،
تا نسیم عطشی در بن برگی بدود،
زنگ باران به صدا می‌آید.

سهراب سپهری

(ب) هر چه به گرد خویشتن می نگرم در این چمن

آینه ضمیر من جز تو نمی دهد نشان

هوشنگ ابتهاج

۴ نوع تشبیه را در ایيات زیر مشخص کنید:

(الف) اگر ای عشق پایان تو دور است دلم غرق تمّنای عبور است
برای قد کشیدن در هوایت دلم مثل صنوبرها صبور است
سلمان هراتی

(ب) زمین چو سینه سه را ب زیر جوشن برگ فرو نشسته در آن ناوک صنوبر و غان
علی موسوی گرما رو دی

(پ) مانند پنبدانه که در پنبه تعییه است، اجرام کوه هاست نهان در میان برف
کمال الدین اسماعیل

۵ در اشعار زیر مشیّه و مشیّه ب را مشخص کنید.

(الف) پاسی از شب رفته بود و برف می بارید

چون پرافشان پری های هزار افسانه ای از یادها رفتہ

مهدی اخوان ثالث

(ب) روز چو شمعی به شب، زود رو و سرفراز شب چو چراغی به صبح، کاسته و نیم تاب
خاقانی

۶ تشبیه های به کار رفته در بیت های زیر دارای کدام یک از پایه های تشبیه اند؟

(الف) مرا، کز جام عشقت مست گشتیم وصال و هجر یکسان می نماید
فخر الدین عراقی

(ب) گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد اول بلا به مرغ بلند آشیان رسد
کلیم کاشانی



(پ) خانه دل ما را از کرم عمارت کن پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی

شیخ بهایی

(ت) حریر باورم از شعله ندامت سوخت که بر کویر عطشناک نیستم چون ابر

مشق کاشانی

۷ در هر یک از نمونه‌های زیر ادات تشبيه را مشخص کنید:

(الف) مرا در دل درخت مهربانی به چه ماند؟ به سرو بوستانی

فخرالذین اسعد گرگانی

(ب) آورده‌اند که در ناحیت کشمیر متصیّدی خوش و مرغزاری نزه بود که از عکس ریاحین

او پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی.

کلیله و دمنه

(پ) هرگز کسی نداد بدين سان نشان برف

گویی که لقمه‌ای است زمین در دهان برف

کمال الدین اصفهانی

۸ در اشعار ذکر شده در خودارزیابی‌های درس ۳ ابیاتی را که مربوط به شاعران

قرن‌های ۷، ۸ و ۹ است، بیابید و بگویید کدام نوع تشبيه (گسترده یا فشرده) در

آنها بیشتر است؟

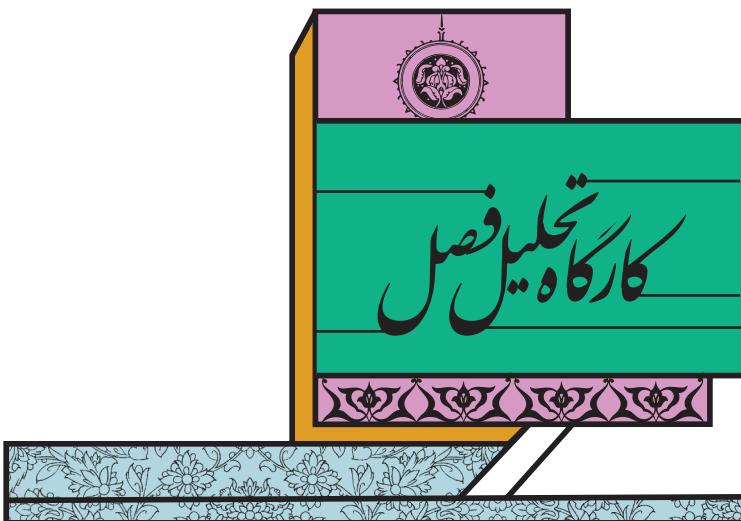
۹ در بیت:

«چو دریای خون شده مه دشت و راغ جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ»

فردوسی

پایه‌های آوایی را مشخص کنید؛ سپس خانه‌هایی به تعداد آنها طراحی نموده و هر

پایه را در خانه خود قرار دهید.



۱ متن زیر را از نظر تاریخ ادبیات و زیبایی‌شناسی بررسی کنید:

«پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به يد قدرت در گل از گل دل کرد.»

مرصاد العباد

۲ با توجه به آموخته‌های فصل یکم، شعر زیر را بررسی و تحلیل کنید:

مرده بدم زنده شدم؛ گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا زهره شیر است مرا، زهره تابنده شدم
گفت که شیخی و سری، پیشو و راهبری شیخ نی ام، پیش نی ام، امر تو را بنده شدم
گفت که ببال و پری، من پرو بالت ندهم در هوس بال و پرش بی پر و پر کنده شدم
چشمۀ خور شید تویی، سایه گه بید منم چون که زدی بر سر من پست و گدازنده شدم
شکر کند چرخ فلک، از ملک و ملک و ملک کز کرم و بخشش اوروشن و بخششنده شدم
شکر کند عارف حق، کز همه بر دیم سبق بر زبر هفت طبق، اخت رخشنده شدم

مولوی



فصل دوم

| | |
|-----------|--|
| درس چهارم | سبک‌شناسی قرن‌های ۷، ۸ و ۹ (سبک عراقی) |
| درس پنجم | پایه‌های آوایی همسان (۱) |
| درس ششم | مجاز |

* کارگاه تحلیل فصل

درس چهارم

سبک عراقی

سبک شناسی قرن هفتم، هشتم و نهم

ویژگی‌های سبک عراقی

(الف) شعر:

۱. زبانی:

برخی از ویژگی‌های زبانی شعر این دوره عبارت‌اند از:

- چهارچوب زبان همان چهارچوب فارسی قدیم یعنی زبان سبک خراسانی است که تا حدودی مختصات جدید یافته است؛
- لغات فارسی اصیل قدیم کم شده و جای آنها را لغات عربی گرفته است؛
- «می» اندک‌اندک جای «همی» را گرفته است؛
- «در» به جای «اندر» در حال جایگزین شدن است و نیز واژه‌های «ایدون، ایدر، آبا، آبر و...» بسیار اندک به کار می‌روند؛
- به کارگیری حرف نشانه «مر» در کنار مفعول جمله کم شده است.
- اساساً مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی سبک عراقی همین درهم آمیختگی مختصات نو و کهن است که گاهی در یک شعر کوتاه نیز در کنار هم دیده می‌شود.





۲. ادبی:

- برخی از ویژگی‌های ادبی شعر این دوره عبارت‌اند از:
- در شعر این دوره کاربرد غزل بیشتر شد و جایگاه «تخلص» در انتهای آن تثبیت گردیده است؛
 - توجه به علوم ادبی از جمله «بیان» و «بدیع» بیشتر شده است؛
 - شعر این دوره از دربار خارج شده؛ قصیده از رونق افتاد و غزل عارفانه و عاشقانه رواج می‌یابد.

۳. فکری:

- برخی از ویژگی‌های فکری شعر این دوره به شرح زیرند:
- فکر نیز در این دوره با تأثیرپذیری از مسایل سیاسی و اجتماعی دست‌خوش تغییر شده است؛ مثلاً در دوره خراسانی، معاشق شاعر، زمینی و دست‌یافتنی بود؛ ولی در شعر این دوره، این مقام‌اندک‌اندک متعالی می‌گردد تا آنجا که گاه با معبدی یکی می‌شود.
 - بعد از حمله مغول و خدشه‌دار شدن غرور و احساسات ملی ایرانیان، نیاز داشتن به سخنان آرام‌بخش و توجه به امور اخروی بیشتر می‌شود و همچنین باعث رواج بیشتر تصوف می‌گردد و برخی اندیشه‌ها، از جمله بی‌اعتباری دنیا و اعتقاد به قضا و قدر رواج بیشتری می‌یابند.
 - پرهیز از زهد ریایی، توجه به صفا و پالایش درون، برتری عشق بر عقل و امثال آنها مفاهیم و اندیشه‌های شعر این دوره را رقم می‌زنند.

■ مقایسه ویژگی‌های فکری سبک خراسانی و عراقی

| عراقی | خراسانی |
|-----------|------------|
| ستایش عشق | ستایش خرد |
| غم‌گرایی | شادی‌گرایی |
| فراق | وصال |



| | |
|---------------------------------|-----------------------------------|
| ذهن‌گرایی یا توجه به دنیای درون | واقع‌گرایی یا توجه به دنیای بیرون |
| رواج روحیه عرفانی و اخلاقی | رواج روحیه پهلوانی و حماسی |
| باور به قضا و قدر | باور به اختیار و اراده |
| آسمانی‌بودن معشوق | زمینی‌بودن معشوق |
| بازتاب بیشتر علوم در شعر | بازتاب اندک علوم در شعر |

ب) نثر:

۱. زبانی:

در این قلمرو ویژگی‌های زیر شاخص‌ترند:

- نثر فنی کم کم در قرن هفتم ضعیف می‌شود و در قرن هشتم با سیطرهٔ تیموریان بر ایران از میان می‌رود، تا آنجا که نشر ساده در اکثر کتاب‌های این دوره جای نثر فنی را می‌گیرد. در قرن ششم چنین مرسوم بود که برخی نویسنده‌گان، آثار موجود را که به نثری ساده بود، به نثر فنی باز می‌نوشتند. در این دوره (قرن هفتم و هشتم) برخی نویسنده‌گان، کتاب‌های مشکل را به زبان ساده بازنویسی می‌کردند؛ چنان‌که ملاحسنین واعظ کاشفی کلیله و دمنه را به انسای دورهٔ خود بازگرداند و آن را «انوار سُهیلی» نامید.
- تاریخ‌نویسی در این دوره به اسلوب ساده رواج می‌یابد، هر چند نمونه‌هایی با نثر پیچیده نیز در میان تاریخ‌های این دوره یافت می‌شود. در مقدمهٔ کتاب ظفرنامهٔ شامی، که قدیمی‌ترین تاریخ نوشته شده دربارهٔ تیمور است، می‌خوانیم: «امیر تیمور به من دستور داد که ساده بنویسم؛ به طوری که عامهٔ مردم بفهمند.» تاریخ‌نویسی از همان اوایل دورهٔ مغول، به سبب علاقهٔ شدید آنان به ثبت وقایع مربوط به پدران و اجدادشان شروع شد و در دورهٔ تیموری هم ادامه یافت. حاشیه‌نویسی‌های متعددی نیز به نثر ساده بر تاریخ‌های قدیم انجام گرفت. البته باید توجه داشت که این سادگی نثر همهٔ جایکسان نیست و نثر ساده این دوره را نمی‌توان فصیح و بلیغ دانست.
- از دیگر ویژگی‌های نثر این دوره ورود لغات قبایل مختلف ترک و مغول به زبان فارسی است که در دورهٔ تیمور سرعت رشد آن بیشتر شد؛ اما این جریان در زبان



فارسی دیری نپایید. سلطان حسین بايقرا و امیرعلی شیر نوایی در حوزه ادبی هرات ترکی‌گویی و ترکی‌نویسی را تشویق می‌کردند و خود امیرعلی شیر نوایی چند کتاب از جمله «محاکمة اللغتين» را به ترکی نوشت و ظهیرالدین بابر هم «بابرنامه» را به ترکی نوشت. اینان شعر ترکی هم می‌گفتند. نمونه‌ای از این کلمات دخیل که هنوز هم در زبان فارسی استعمال دارند، عبارت‌انداز: بیلاق و قشلاق (سردسیر و گرم‌سیر)، قشون (ارتش) و یورش (هجوم).

- به وجود آمدن سنتی و ضعف در ساخت دستوری جملات نثر از ویژگی‌های دیگر این دوره است.

۲. ادبی

● در اندیشه‌ادیبان این دوره، صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت؛ اما چون استعدادهای بزرگی در این عرصه ندرخشیدند، در کتاب‌های مصنوع و متکلف بیشتر به ظاهرسازی و به صنایعی مثل استعارات دور از ذهن و آوردن سجع‌های متوالی و بی روح روی آوردند.

۳. فکری

- به علت کشتن یا متواری ساختن فضلا و نابودی کتابخانه‌ها، از صحت و اتقان مطالب کاسته شد و ضعف و انحطاط فکری این دوره را فرا گرفت.
- همچنین به علت نبودن استادان بزرگ و از بین رفتن مراکز علمی، تحقیق و تتبیع در بین علماء و ادبیان سنتی یافت.
- مدعیان عرفان هم که به اقتضای زمانه با مغولان کنار آمده بودند، اندک‌اندک اصالت خود را از دست دادند و به درسی کردن عرفان و شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن پرداختند؛ در نتیجه در این دوره، کتاب عرفانی مهمی به نظر نوشته نشد.





خودارزیابی

۱ شعر زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

آن یکی آمد در یاری بزد
گفت یارش: «کیستی ای معتمد؟»
گفت من؛ گفتش «برو هنگام نیست»
بر چنین خوانی مقام خام نیست
خام را جز آتش هجر و فراق
کی پزد کی وارهاند از نفاق؟
رفت آن مسکین و سالی در سفر
در فراق دوست سوزید از شرر
پخته شد آن سوخته؛ پس بازگشت
باز گرد خانه انباز گشت
حلقه زد بر در به صد ترس و ادب
تا بنجهد بی‌ادب لفظی ز لب
گفت «بر در هم تویی ای دلستان»

شناور معنوی مولوی

(الف) دو مورد از ویژگی‌های زبانی آن را بنویسید.

(ب) ویژگی فکری حاکم بر آن چیست؟

(پ) دو مورد از ویژگی‌های ادبی شعر را بنویسید.

(ت) بیت پایانی را تقطیع هجایی کنید و در جدول بنویسید:

| | | |
|--|--|--|
| | | |
| | | |

۲ چرا در عصر مغول و تیمور، تاریخ نویسی رواج پیدا کرد؟ توضیح دهید.

۳ ویژگی‌های زبانی ابیات فردوسی و حافظ را در مثال‌های زیر با یکدیگر مقایسه کنید:

| | |
|------------------------------|----------------------------|
| که ای شاه شادان دل و نیک بخت | چنین گفت رسنم به آواز سخت |
| اگر جنگ خواهی و خون‌ریختن، | بر این گونه سختی برآویختن، |
| بگو تا سوار آورم زابلی | که باشند با خنجر کابلی |



بر این رزمگه‌شان به جنگ آوریم خود ایدر زمانی درنگ آوریم

فردوسی

یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
صد ملک سليمانم در زیر نگین باشد
شاید که چو وابینی، خیر تو در این باشد
نقشش به حرام ار خود، صورتگر چین باشد
کی شعر ترانگیزد خاطر که حزین باشد
از لعل تو گر یا بهم انگشتی زنهار،
غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل
هر کاو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز

حافظ

۴ یک مورد از ویژگی‌های فکری بیت‌های زیر را بنویسید؛ سپس تشییه‌های موجود را
بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

چون روان گشت، خشک و ترسوزد
آتش است آب دیده مظلوم
کاول، آتش ز شمع سر سوزد
تو چو شمعی از او هراسان باش

سیف فرغانی

۵ پایه‌های آوایی را در بیت دوم شعر فردوسی (خودارزیابی ۳) مشخص نمایید.



درس پنجم

پایه‌های آوایی همسان^(۱)



پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی، درمی‌یابیم که پایه‌های آوایی بیت‌ها، به شکلی هماهنگ در پی هم می‌آیند. به بیان دیگر، می‌توان پایه‌ها را به دسته‌هایی منظم بخش کرد. اکنون، چگونگی نظم هر یک از این دسته‌ها را بررسی می‌کنیم.

به چیش پایه‌های آوایی بیت زیر، دقّت کنید:

درین درگاه بی چونی، همه لطف است و موزونی

چه صحرایی، چه خضرایی، چه درگاهی، نمی‌دانم

مولوی

| | | | | |
|------------------|---------------|---------------|---------------|----|
| دَرِینَ دَرْ گَا | ذُ مو زو نِی | هِ مِ لُطْفَس | بِی چو نِی | تُ |
| جِ صَحْدَرَایِی | جِ خَضْرَایِی | جِ دَرَگَاهِی | نِ مِی دَانَم | نِ |

با خوانش درست بیت، درنگی منظم را در میان پایه‌های آوایی هر مصراع، احساس می‌کنیم. به بیان دیگر، هر مصراع از پایه‌های تکراری و منظم چهارهنجایی تشکیل شده است. این پایه‌های تکراری و هماهنگ را، «پایه‌های آوایی همسان» می‌نامیم.





وقتی هجاهای شعری را به شکلی درست به پایه‌هایی آوایی بخشن کردیم؛ ساده‌تر این است که به جای هریک از این پایه‌ها، معادل هریک از آنها را بیاوریم. معادل‌های این پایه‌ها را «وزن واژه یا رکن» می‌نامیم.

برخی از وزن واژه‌ها یا ارکان شعر فارسی عبارت‌اند از:

| | |
|------------|--------------|
| فعولن (U—) | مفاعیلن (U—) |
| (—UU—) | (—UU—) |

مثلاً در این بیت «وزن واژه»، مفاعیلن (ت تن تن) است.

| | | | | | |
|-------------------------------|-----------------|----------------|----------------|----------------|-----------------|
| پایه‌های آوایی | دَرِینَ دَرَگَا | هَمِ لُطْفَس | تُ موْزُونِي | بِيْ چُونِي | ذِرِينَ ذَرَگَا |
| وزن | جِصَحْ رَايِي | جِ خَضْ رَايِي | نِ مِيْ دَانِم | جِ ذَرْ گَاهِي | بِيْ چُونِي |
| نـشانه‌های هجایی مـیـنویسیـمـ | مـفـاعـیـلنـ | مـفـاعـیـلنـ | مـفـاعـیـلنـ | مـفـاعـیـلنـ | ذِرِينَ ذَرَگَا |

تکرار و تمرین از طریق گوش دادن، یکی از راه‌های مؤثر در ک وزن بیت است. همچنین قرار دادن نشانه‌های هجایی یکی دیگر از راه‌های مؤثر برای تشخیص وزن است. اکنون بیت بالا را با نشانه‌های هجایی می‌نویسیم:

| | | | | | |
|-------------------------------|-----------------|----------------|----------------|----------------|-----------------|
| پایه‌های آوایی | ذِرِينَ ذَرَگَا | هَمِ لُطْفَس | تُ موْزُونِي | بِيْ چُونِي | ذِرِينَ ذَرَگَا |
| وزن | جِصَحْ رَايِي | جِ خَضْ رَايِي | نِ مِيْ دَانِم | جِ ذَرْ گَاهِي | بِيْ چُونِي |
| نـشانه‌های هجایی مـیـنویسیـمـ | مـفـاعـیـلنـ | مـفـاعـیـلنـ | مـفـاعـیـلنـ | مـفـاعـیـلنـ | ذِرِينَ ذَرَگَا |
| | —U | —U | —U | —U | —U |

هر مصراع این بیت، از چهار پایه همسان «مفاعیلن» (ت تن تن) تشکیل شده است. به نمونه زیر توجه کنید.

خداوند، شبم را روز گردان چو روزم بر جهان، پیروز گردان
نظامی

۱. «م» هجای کوتاه است و با معادل خود در مصراع دوم ناهمسان است؛ یعنی معادل یک هجای بلند در نظر گرفته شده است. این کاربرد آوایی به ضرورت شعری پدید می‌آید.

| | | |
|-------------|-------------------|---------------|
| زَگَرَ دَان | شَبَمَ رَأَو | خُدَوَنَ دَا |
| زَگَرَ دَان | جَهَانَ بَيِّ رَو | جُرَوَّمَ بَر |

می‌بینیم که موسیقی و آهنگ این بیت با بیت پیشین، همسان است و همان نظم را دارد و چینش هجاهای پایه‌ها، با آن همگون است.

| | | | |
|-------------|-------------------|---------------|-------------------------|
| زَگَرَ دَان | شَبَمَ رَأَو | خُدَوَنَ دَا | پَايَهَهَايِيْ |
| زَگَرَ دَان | جَهَانَ بَيِّ رَو | جُرَوَّمَ بَر | |
| مفاعِي | مفاعِيلَن | مفاعِيلَن | وزَن |
| — — U | — — — U | — — — — U | نشانهَهَايِيْ هَجَايِيْ |

پس از مقایسه این بیت با نمونه پیشین، در می‌یابیم که تعداد پایه‌های آنها، متفاوت است. هر مصراع این بیت، از سه پایه یا رکن، تشکیل شده است.

گاهی فضای آوازی به گونه‌ای سامان می‌یابد که بافت موسیقایی شعر، کوتاه‌تر می‌شود و یکی از پایه‌های آوازی کاسته می‌شود. در چنین مواردی «وزن» هم، دچار دگرگونی می‌شود و یک یا چند هجاء را پایان آن، می‌افتد. به بیان دیگر وزن این بیت «مفاعِيلَن مفاعِيلَن مفاعِي» است.

اکنون به نمونه‌های دیگر از پایه‌های همسان، توجه کنید:

روزگار است این که گه عزّت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

قائم مقام فراهانی

| | | | |
|--------------|-------------------|---------------------|---------------|
| خَارَ دَارَد | زَتَ دَهَدَ گَه | تَيِّنِ كِ گَهِ عِز | رَوْزِ گَارَس |
| يَارَ دَارَد | زِيِّ جِهَانَ بَا | گَرَأَزِينَ بِس | چَرَخِ بازِي |



هر مصراج این بیت از چهار پایه همسان منظّم و تکراری، سامان یافته است؛ اما آهنگ وزن این بیت با بیت پیشین، تفاوت دارد.
به پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی هر پایه این بیت، دقّت کنید.

| | | | | |
|----------|---------------------|-------------------|--------------|-----------------|
| خار دارد | زَتْ دَهَدَّهَ عِزْ | تینِ کِ گَهِ عِزْ | روزِ گَارَسْ | پایه‌های آوایی |
| یار دارد | زَيْ جِ هَا بِسْ | گَرَأَزِينَ با | چَرَخِ بازِي | |
| فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | وزن |
| —U— | —U— | —U— | —U— | نشانه‌های هجایی |

همان‌گونه که آورده‌ایم، وزن این بیت «فاعلاتن (تن ت تن تن)» است.

نمونه زیر را با هم می‌خوانیم:

من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوشحالان شدم

مولوی

| | | | |
|------------|----------------|------------------|-----------------|
| لان شُ دَم | عِيَ تَيَ نَا | مَنْ بِ هَرْ جَم | پایه‌های آوایی |
| لان شُ دَم | لَانْ خُشْ حَا | جُفْتِ بَدْ حَا | |
| فاعلن | فاعلاتن | فاعلاتن | وزن |
| —U— | —U— | —U— | نشانه‌های هجایی |

در این بیت نیز به جای چهار پایه، سه پایه آمده و از پایه سوم نیز یک هجا کم شده است.

وزن این بیت «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن» است.



خودارزیابی



برای هر یک از موارد زیر؛ مانند نمونه وزن واژه مناسب بنویسید و نشانه‌های هجایی آن را مشخص کنید:

| نشانه‌های هجایی | وزن واژه | نمونه |
|-----------------|----------|-----------|
| — — U | فعولن | کبوتر |
| | | می نوشتم |
| | | دریا دلان |
| | | نمی دانم |
| | | دری بگشا |
| | | بامدادی |
| | | با ادبان |
| | | کجایی |

۲ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن آن را بنویسید.

(الف) به گیتی هر کجا درد دلی بود، به هم کردند و عشقش نام کردند

فخرالدین عراقی

| پایه‌های آوایی | وزن |
|----------------|-----|
| | |



(ب) چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مستت را

که کس آهوی وحشی را از این بهتر نمی‌گیرد

حافظ

| | | | | |
|--|--|--|--|-------------------|
| | | | | پایه‌های آوایی |
| | | | | |
| | | | | وزن |

(پ) تا نگردی بی خبر از جسم و جان کی خبر یابی ز جانان یک زمان

عطار

| | | | | |
|--|--|--|--|-------------------|
| | | | | پایه‌های آوایی |
| | | | | |
| | | | | وزن |

۳ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس نشانه‌های هجایی

هریک را در خانه‌ها قرار دهید.

(الف) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

سعدی

| | | | | |
|--|--|--|--|-------------------|
| | | | | پایه‌های آوایی |
| | | | | |
| | | | | نشانه‌های هجایی |



(ب) هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست
و حشی بافقی

| | | | | |
|--|--|--|--|-------------------|
| | | | | پایه‌های آوازی |
| | | | | نشانه‌های هجایی |

(پ) سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی
حافظ

| | | | | |
|--|--|--|--|-------------------|
| | | | | پایه‌های آوازی |
| | | | | نشانه‌های هجایی |

(ت) ز حسرت بر سر و بر رو، همی زد به سانِ فاخته کوکو همی زد
فداibi مازندرانی

| | | | | |
|--|--|--|--|-------------------|
| | | | | پایه‌های آوازی |
| | | | | نشانه‌های هجایی |



۱ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و نشانه‌های هجایی آن را بنویسید.

(الف) سحرگه بلبلی آواز می‌کرد همی‌نالید و با گل راز می‌کرد
سلمان ساوجی

| | | | |
|--|--|--|-----------------|
| | | | پایه‌های آوایی |
| | | | وزن |
| | | | نشانه‌های هجایی |
| | | | |

(ب) ما به غم خو کرده‌ایم ای دوست ما را غم فرست
تحفه‌ای کز غم فرستی نزد ما هر دم فرست
خاقانی

| | | | |
|--|--|--|-----------------|
| | | | پایه‌های آوایی |
| | | | وزن |
| | | | نشانه‌های هجایی |
| | | | |



(پ) خوشا از نی خوشا از سر سروden خوشا نی نامه‌ای دیگر سروden

قیصر امین بور

| | | | |
|--|--|--|-------------------|
| | | | پایه‌های آوازی |
| | | | وزن |
| | | | نشانه‌های هجایی |

(ت) عزیزا کاسه چشمم سرايت میان هردو چشمم جای پایت

باباطاهر

| | | | |
|--|--|--|-------------------|
| | | | پایه‌های آوازی |
| | | | وزن |
| | | | نشانه‌های هجایی |

۵) ابیات زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی
در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است؟ به امید آنکه شاید تو به چشم من درآیی
سر برگ گل ندارم، ز چه رو روم به گلشن؟ که شنیده‌ام ز گل‌ها همه بُی و فایی

فخرالدین عراقی

(الف) ویژگی‌های ادبی سبک عراقی را در آن بیابید.

(ب) دو مورد از ویژگی‌های فکری ابیات را بنویسید.



درس ششم

مجاز

در بیت:

برآشفت ایران و برخاست گرد همی هر کسی کرد ساز نبرد

فردوسی

واژه «ایران» در معنایی غیر از معنای خودش به کار رفته است. ایران، معنایی حقیقی دارد که همان مفهوم «کشور ایران»، وطن و محل زندگی ما است؛ اما در این بیت معنای واقعی کشورمان ایران مورد نظر نیست؛ بلکه معنایی دیگر یعنی «سپاه یا مردم ایران» مورد نظر شاعر بوده است.

مجاز، کاربرد واژه، در معنای غیرحقیقی آن است. کاربرد کلمات در معنای مجازی در زبان محاوره و گفت‌وگوی روزانه بسیار است. وقتی می‌گوییم: «حوض بزرگ است»، «حوض» در معنای اصلی خود به کار رفته است؛ اما هنگامی که می‌گوییم: «حوض بخ‌زد»، منظور آب حوض است؛ به عبارت دیگر، واژه حوض را که معنایی حقیقی یا اصلی دارد، به کار برد و آب را که معنای غیرحقیقی آن است، اراده کرده‌ایم.

البته دریافت معنی غیرحقیقی واژه بر اساس «علاقة یا پیوند» بین آن معنا با معنای حقیقی به ذهن می‌آید و همچنین لازم است «قرینه‌ای» در کلام باشد تا



معنای غیرحقیقی (مجازی) دریافت شود. علاقه، رابطه و پیوندی است که میان معنای حقیقی و غیرحقیقی یک واژه وجود دارد و قرینه، نشانه‌ای در کلام است که ذهن خواننده را از معنای حقیقی دور می‌سازد و به سوی معنای غیرحقیقی آن سوق می‌دهد.

در جمله بالا، «حوض» در معنای «آب» به کار رفته و «یخ زدن» قرینه‌ای است که ما را از معنای اصلی آن دور می‌کند. بین «حوض» و «آب حوض» نیز علاقه و پیوندی هست که حوض را گفته‌ایم و آب حوض را اراده کرده‌ایم.

وقتی می‌گوییم: ماه، دشت لاله‌ها را روشن کرده بود، منظور از ماه، نور ماه است که قرینه «روشن کردن» ما را از معنای حقیقی ماه به مفهوم غیرحقیقی یعنی نور ماه کشانده است. همچنین بین ماه و نور ماه نیز علاقه و پیوندی است که ما از لفظ ماه به نور ماه رهنمون می‌سازد.

بیهقی

در مثال: جهان خوردم و کارها راندم.

جهان در معنای اصلی خود نیست و نعمت‌های جهان منظور است که این کاربرد را از قرینه «خوردن» متوجه می‌شویم. بین واژه جهان و نعمت‌های جهان نیز پیوند وجود دارد. همچنین در بیت زیر واژه «بیت» کاربرد مجازی دارد:

| | |
|------------------------------------|-------------------------------|
| به یاد روی شیرین <u>بیت</u> می‌گفت | چو آتش تیشه می‌زد، کوه‌می‌سفت |
| <u>نظامی</u> | |

معنای حقیقی یا اصلی: کوچک‌ترین واحد کلام موزون و شاعرانه؛
معنای غیرحقیقی: سخن شاعرانه.

چنین کاربردهایی را در سخن شاعرانه و نیز کلام عادی بسیار سراغ داریم، زبان فارسی به طور گسترده از معنای مجازی در ادای مقاصد خویش بهره می‌گیرد.

در بیت زیر سه واژه در معنای غیرحقیقی یا مجازی به کار رفته‌اند:

| | |
|--------------------------|------------------------------|
| خوشی برآمد ز دشت و ز شهر | غم آمد جهان را از آن کار بهر |
| <u>فردوسی</u> | |



| معنای مجازی (غیرحقیقی) | معنای حقیقی (اصلی) | واژه |
|------------------------|--------------------|------|
| مردم حاضر در دشت | صحراء | دشت |
| مردم ساکن در شهر | نام مکان زندگی | شهر |
| مردم جهان | دنيا | جهان |

در کاربرد معنای مجازی، گاهی نیز واژه‌ای را به کمک رابطه شباخت، به جای واژه دیگر به کار می‌برند؛ برای مثال، به جای چشم، به دلیل شباهت آن با گل نرگس، می‌گویند نرگس؛ یعنی واژه‌ای را به دلیل شباهت به جای واژه‌ای دیگر به کار می‌گیرند؛ این گونه کاربرد مجاز، مهم‌ترین نوع مجاز است:

از من غمزده دل می‌طلبد غمزده دوست دوستان دلبر ما نرگس گویا دارد
وفایی

معنای حقیقی نرگس، گلی با گلبرگ‌های سفید و معنای غیرحقیقی آن «چشم» می‌باشد.

خودارزیابی

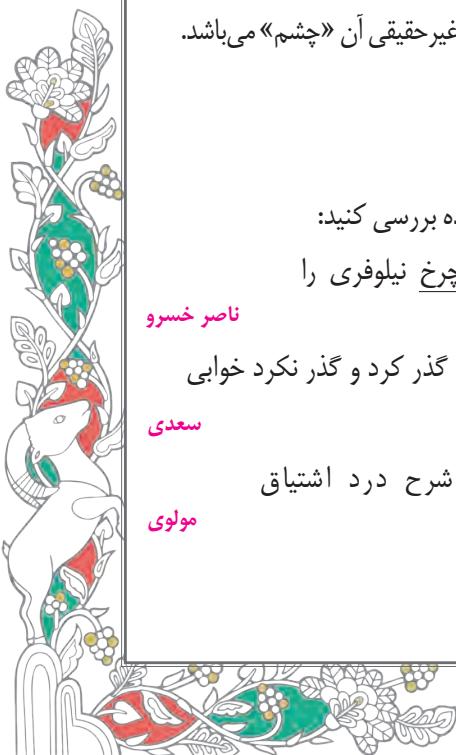


۱) معنای حقیقی و مجازی را در واژه‌های مشخص شده بررسی کنید:

(الف) درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیرآوری چرخ نیلوفری را
ناصر خسرو

(ب) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی
سعدي

(پ) سینه خواهم شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشیاق
مولوی



۲ در سروده‌های زیر مجاز را مشخص کنید:

(الف) فردا که آن شهر خاموش / در حلقه شهربندان دشمن / از خواب دوشینه برخاست /
دیدند / زان مرغ فریاد و آتش / خاکستری سرد برخاست

شفیعی کدکنی

(ب) فریشتگان سنگ به وی می‌زدند که خاکی و آبی را چه رسد که حدیث کند؟
رشیدالدین مبیدی

(پ) چرا چون لاله خونین دل نباشم که با ما نرگس او سرگران کرد
حافظ

(ت) دل عالمی بسوی چو عذر برفروزی تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا
حافظ

(ث) بروای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
شهریار

۳ در بیت زیر مجاز و قرینه را مشخص نمایید:

دست فلک ز کارم وقتی گره گشاید کز یکدگر گشایی زلف گره گشا را
فروغی بسطامی

۴ بیت زیر را از نظر فکری و ادبی بررسی نمایید:

سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم وز این درخت همین میوه غم است برم
جامی

۵ وزن بیت زیر را مشخص کنید:

بضاعت نیاوردم الّا امید خدایا ز عفوم مکن ناامید
سعدي



کارگاه تحلیل فصل

۱) غزل زیر را از نظر سبک‌شناسی بررسی و تحلیل کنید:

من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفای

عهد نابستن از آن به که بیندی و نپایی

دوستان عیب کنندم که چرا دل به تو دادم

باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرایی

آن نه خال است وزنخдан و سرزلف پریشان

که دل اهل نظر برد که سری است خدایی

عشق و درویشی و انگشت‌نمایی و ملامت

همه سهیل است، تحمل نکنم بار جدایی

گفته بودم چو بیایی، غم دل با تو بگویم

چه بگوییم؟ که غم از دل برود چون تو بیایی

شمع را بایداز این خانه به در بردن و کشتن

تا به همسایه نگوید که تو در خانه مایی

سعده آن نیست که هرگز ز کمندت بگریزد

که بدانست که در بند تو خوش‌تر که ز رهایی

سعده

۲ متن زیر را از نظر زیبایی‌شناسی بررسی نمایید:

«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنا نبات در مهد زمین بپرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدم موسم ربيع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

سعدي

۳ وزن بيت زير را بنويسيد.

ز يزدان دان، نه از اركان که کوتاه ديدگی باشد
که خطی کز خرد خيزد، تو آن را از بنا يبني

ستاني



فصل سوم

| | |
|----------|--|
| درس هفتم | تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم |
| درس هشتم | پایه‌های آوایی همسان (۲) |
| درس نهم | استعاره |
| | * کارگاه تحلیل فصل |

درس هفتم

تاریخ ادبیات فارسی

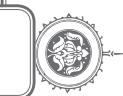
در قرن های دهم و یازدهم

قرن دهم

در این قرن حکومت در دست جانشینان تیمور بود؛ به گونه‌ای که در هر گوشه‌ای حاکمی از آنان حکومت می‌کرد. اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در این دوره به طور کلی و وضع ادبیات نیز، به تبع آن آشفته شده بود. در این سال‌ها دو جریان شعری بیشتر رونق داشت:

یکی شعر لطیف و فصیحی بود که به طور طبیعی و به شیوه کسانی مثل حافظ و سعدی در جریان بود و بابا فغانی شیرازی از نمایندگان آن است. دیگری مکتب و قوع که نتیجه چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک و رهایی از گرفتاری تقلید بود و بازتاب طبیعی محیط اجتماعی قرن دهم بود که البته راه به جایی نبرد.

سيطره درازمدت مغولان و تیموریان بر سرزمین ایران و ویرانی‌ها و خرابی‌هایی که در همه ابعاد و زمینه‌ها بهار آوردنده، دانش، فرهنگ و ادبیات را تحت الشعاع خود قرار داد. بعد از ظهور شاعران بزرگی چون سعدی، مولانا و حافظ در دوره عراقی، به دلیل تسلط طولانی مدت مغول و تیموری، جایی برای رشد زبان و ادبیات فارسی و ادبیان باقی نماند.





شاعران این دوره تشخیص داده بودند که سبک عراقی از واقعیت دور شده و کاملاً جنبه ذهنی و تخیلی یافته است و با ادامه پاییندی به سنن ادبی نابود می‌شود. پس باید به سوی حقیقت‌گویی و واقع‌گویی بازگشت. برای این کار نیازمند پرداختن به مسائل اجتماعی و انتقادهای سیاسی بود و قالب غزل با توجه به نقش و سابقه کاربردش، اجازه جولان بیشتر در این میدان را نمی‌داد.

در این دوره از یک سو به دلیل کم‌توجّهی و بی‌مهری شاهان صفوی نسبت به شاعران و از سوی دیگر شاعرنوازی و ادب‌گرایی سلاطین هند، شاعران به دربارهای هند روی آوردند. به همین دلیل با شوق و شور تمام راهی آنجا شدند و برخی از آنان پس از کسب شهرت و ثروت، به ایران بازگشتند. آشنایی با تفکرات و معارف هندوان کم و بیش در تغییر سبک دخیل بود.

فرهنگ هند، در این دوره از فرهنگ ایرانی همچنان تأثیر می‌پذیرفت و فضای هند از تألیف کتاب و سروdon شعر به زبان فارسی و بها دادن به فرهنگ آن، استقبال می‌کردند. شاهان گورکانی هند نیز همگی به فارسی سخن می‌گفتند. زبان فارسی که در شبه‌قاره هند استحکام و استقرار لازم را به دست آورده بود، همه‌گیر و رسمی شد و تازمان حاکمیت استعمار انگلیس در هند زبان رسمی آن دیار بود.

هم‌زمان با رشد ادبیات در هند، اصفهان، نیز که پایتخت و محل اجتماع شعراء و فضلاً بود، از دیدگاه ادبی توسعه یافت. به جز اصفهان، مناطق دیگر ایران هم رشد و توسعه و شور و جنبشی یافت؛ مثلاً خراسان، آذربایجان و نواحی مرکزی ایران به کانون‌های مهمی برای شاعران، هنرمندان و دانشمندان تبدیل شد.

هر چند شاهان صفوی در ترویج و نفوذ زبان ترکی در ایران نقش بسزایی داشتند؛ اما کم و بیش به زبان فارسی نیز کتاب نوشته یا شعر گفته‌اند و به نوعی علاقه نشان داده‌اند. افزون بر آن، برخی از ایشان مقام شیخی و رهبری طریقت داشتند و از این رو لازم می‌دانستند خود را در چنین مقام فرهنگی نگاه دارند، علاوه بر این با رؤسای مذاهب در تماس نزدیک بودند و از طرف دیگر، رقبایی چون شاهان عثمانی و هندی داشتند که آنها نیز به مسائل فرهنگی توجه نشان می‌دادند. این عوامل باعث شده بود که به‌طور کلی شعر و شاعری و معماری و انواع هنرها مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه هنرها یی چون قالی بافی، سفالگری،



شیشه‌سازی، نقاشی، تذهیب و خوشنویسی در دوران صفویه رشد فراوان یافت. بهزاد در دوره شاه اسماعیل و رضا عباسی در دوره شاه عباس از مفاخر هنرند.

بابا غانی شبیرازی

از شعرای تأثیرگذار این قرن در ایران است که شعرش از نظر دقیق، ظرافت و رقت معانی مشهور است.

وحشی بافقی

نیز از دیگر شاعران این دوره است که سبک شعرش حدّ واسط سبک دوره عراقی و دوره بعد، یعنی سبک هندی است و واقع‌گرایی شاخصه اصلی آن است.

محتشم کاشانی

از دیگر شاعران این دوره، در سروden شعر مذهبی معروف و ترکیب‌بند عاشورایی او زبانزد است: باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفح صور خاسته تاعرضش اعظم است...

قرن یازدهم

حکومت صفوی پس از کشاکش‌های به وجود آمده در ایران روی کار آمد و مذهب شیعه را ترویج کرد و به شعر ستایشی و درباری و عاشقانه‌های زمینی بی‌توجه بود؛ از این رو شاعران سروده‌های خود را بیشتر با مضامین پند و اندرز، توصیف و بیان امور طبیعی و همچنین تبدیل موضوعات و تمثیلات کهن به مضامین تازه و به زبان جدید همراه کردند. وابسته نبودن شعر به دربار و از بین رفتن طبقهٔ مدیحه‌سرایان درباری باعث شد که طبقات و گروه‌های بیشتری مدعی شعر و شاعری شوند. از سوی دیگر بها ندادن به شعر ستایشی در ایران، موجب شد که شاعران مدیحه‌سرای برای امارات معاشر یا ثروت‌اندوزی راهی دیار هند شوند؛ زیرا آنچه به رسم دربارهای قدیم ایران هنوز بازار قصیده و مدح رواج داشت. رفاه اقتصادی مردم در دوره صفوی و آبادانی شهرهای ایران و رونق تجارت و کسب و کار، این امکان را برای همهٔ مردم فراهم آورده بود که هر کس به اندازهٔ توان خود به امور فرهنگی از جمله ادبیات پردازد.

از طرف دیگر به سبب آشنایی ایرانیان با اروپا، مراکز تجمعی مثل قهقهه‌خانه‌ها نیز دایر شد و شاعران در آنجا به مشاعره، مناظره و نقد آثار یکدیگر می‌پرداختند.
از معروف‌ترین شاعران این قرن می‌توان افراد زیر را نام برد:

کلیم کاشانی

در ابداع معانی و خیال‌های رنگین مشهور است و این ویژگی به غزل‌های او لطف ویژه‌ای بخشیده است. ضرب المثل‌ها و الفاظ محاوره که زبان غزل این دوره را به افق خیال عامه نزدیک کرده، سخن او را برجسته ساخته است. وی با به کار بردن مضمون‌های ابداعی فراوان «خلائق‌المعانی ثانی» لقب گرفت.

صائب تبریزی

معروف‌ترین شاعر سبک هندی و از پرکارترین شاعران فارسی‌زبان است. او در غزل سرایی مشهور است و برخی از تک‌بیت‌های غزلش شاهکارهایی از ذوق و اندیشه‌اند و بسیاری از آنها به صورت ضرب المثل رواج یافته‌اند. صائب را خداوندگار مضماین تازه شعری دانسته‌اند.

بیدل دهلوی

او را به سبب سروden غزل‌های خیال‌انگیز و به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن می‌شناسیم. از ویژگی‌های عمدۀ شعر بیدل، مضمون‌های پیچیده و استعاره‌های رنگین، خیال‌انگیز و سرشار از ابهام و تخیل‌های رمزآمیز شاعرانه است.

خوددارزیابی

۱ ابیات زیر را از نظر مضمون بررسی کنید:

بخیه کفشم اگر دندان نماشد، عیب نیست خنده می‌آرد همی بر هرزه گردی‌های من
ریشه نخل کهن سال از جوان افزوون تراست بیشتر دلبستگی باشد به دنیا پیر را
صائب تبریزی

۲ زبان فارسی در دوره صفویان چه موقعیت و جایگاهی داشت؟

۳ ویژگی‌های عمدۀ شعر بیدل را با توجه به غزل زیر بررسی کنید:

شعله طفل نی سواری بیش نیست
عیش این گلشن خماری بیش نیست
ما و من آینه‌داری بیش نیست
کاین گلستان خنده‌واری بیش نیست
از تنک آبی کناری بیش نیست
فرصت ما نیز باری بیش نیست
فخرها دارند و عاری بیش نیست
بیدل، این کم همتان بر عزّ و جاه

برق با شوqm شراری بیش نیست
لاله و گل زخمی خمیازه‌اند
تا به کی نازی به حسن عاریت؟
می‌رود صبح و اشارت می‌کند
غرقه وهمیم؛ ورنه این محیط
ای شرر، از همرهان غافل مباش
بیدل، این کم همتان بر عزّ و جاه

بیدل دھلوی

۴ چه عواملی موجب شد شاعران ایرانی به دربارهای هند روی آورند؟

۵ محتشم کاشانی در چه نوع و قالب شعری معروف است؟ در این مورد توضیح دهید.

۶ در قرن هشتم تأثیرپذیری از گذشتگان چگونه در شعر خواجهی کرمانی و حافظ جلوه‌گر شد؟

۷ ایات زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

سنایی

نیامد تو را هیچ از آن تخت یاد چو او شهر ایران به گشتاسب داد،

فردوسی

(الف) مجاز را در آنها بیابید و معنای حقیقی و غیرحقیقی هر کدام را مشخص کنید.

(ب) نشانه‌های هجایی و پایه‌های آوایی بیت‌ها را مشخص کنید.



درس هشتم

پایه‌های آوای همسان^(۲)

آموختیم که برای درک پایه‌های آوای شعر، هر دسته از هجاهای نشانه‌های هجایی را به دسته‌هایی منظم برش می‌زنیم یا با خط عمودی، مرز هر دسته از هجاهای را مشخص می‌کنیم. پس از تشخیص و درک پایه‌های آوای شعر، برای درک بهتر نظم پایه‌های آوای، «وزن واژه‌های» هر پایه را مشخص می‌کنیم. نکته مهم در این دسته‌بندی هجاهای، نوع نظم آنها است. در درس گذشته با دو نمونه از پایه‌های آوای همسان، آشنا شدیم. اکنون، دیگر وزن‌های همسان را فرا می‌گیریم.

غمش در نهان خانه دل نشینید به نازی که لیلی به محمل نشینید
طیب اصفهانی

| | | | |
|-------------|-------------|-------------|------------|
| غَمَشْ دَرْ | نَهَانْ خَا | نِشَى نَدْ | نِي دِلْ |
| بِنَازِي | كِلِيلِي | بِمَحَمِيلِ | نِشَى نَدْ |

پس از خوانش درست بیت، و درک موسیقی آن، مرز پایه‌های آوای آن

رامشخص کرده‌ایم. هر مصراع این بیت از چهارپایه همسان تشکیل شده است، وزن این بیت «فعولن» (ت تن تن) است. برای اینکه نظم این هجاهای را بهتر نشان دهیم، نشانه‌های هجایی هر پایه را مشخص می‌کنیم.

| | | | | |
|-----------|-----------|------------|------------|-----------------|
| نِ شی نَد | نِ ی دِل | نَهان خَا | غَمَشْ دَر | پایه‌های آوایی |
| نِ شی نَد | بِ مَحِمل | كِ لِيَلِي | بِ نَازِي | |
| فعولن | فعولن | فعولن | فعولن | وزن |
| —_U | —_U | —_U | —_U | نشانه‌های هجایی |

به بُرش پایه‌های آوایی و نشانه‌های هجایی بیت زیر، توجّه کنید:
خدایا به خواری مران از درم که صورت نبندد دری دیگرم

سعده

| | | | | |
|------|-----------|----------|----------|-----------------|
| دَرم | مَرَانَز | بِ خارِی | خُدا يَا | پایه‌های آوایی |
| گَرم | دَرمِ دِی | نَبَدَد | كِ صورَت | |
| فعل | فعولن | فعولن | فعولن | وزن |
| —_U | —_U | —_U | —_U | نشانه‌های هجایی |

نظم و چینش هجاهای این بیت در هر پایه، با نمونه قبلي یکسان است و هر دو بیت با یک آهنگ و وزن سروده شده‌اند و هجاهای کوتاه و بلند به صورت یکسان از پی هم آمده‌اند؛ اما تعداد هجاهای پایه‌های این دو بیت با هم تفاوت دارند. به بیان دقیق‌تر، «وزن» این بیت نیز «فعولن فعولن فعل» است ولی یک هجاء خانه آخر آن حذف شده است.

بنابراین در هریک از این وزن‌های همسان، ممکن است یک هجاء یا بیشتر از پایان آن حذف شود؛ گاهی هم یک پایه، به صورت کامل حذف می‌شود؛ یعنی هر مصراع، به جای



چهار پایه، سه پایه یا خانه خواهد داشت. اکنون به پایه‌های آوایی این بیت دقّت کنید:
گر جان عاشق دم زند، آتش در این عالم زند وین عالم بی اصل را، چون ذره‌ها بر هم زند

مولوی

| | | | |
|-----------------|---------------|----------------|----------------|
| عالَمِ زَنَد | آَشَدَرِين | شِقَدَمِ زَنَد | گَرْ جَانِ عَا |
| بَرْ هَمِ زَنَد | بِيَاصِلِ رَا | چُنْ ذَرِهَا | وِينِ عَالَمِ |

هر مصراع این بیت، از چهار پایه همسان تشکیل شده است. به بیان دیگر، هر مصراع را به بخش‌ها و پایه‌های تکراری و منظم چهاره‌جایی جدا کرده‌ایم. وزن هر مصوع این بیت از چهار وزن واژه، «مستفعلن» (تن تن ت تن) تشکیل شده است.
برش پایه‌های آوایی و نشانه‌های هجایی بیت، به شکل زیر است:

| پایه‌های آوایی | گَرْ جَانِ عَا | شِقَدَمِ زَنَد | آَشَدَرِين | عالَمِ زَنَد |
|-----------------|----------------|-----------------|---------------|--------------|
| وزن | وِينِ عَالَمِ | بَرْ هَمِ زَنَد | بِيَاصِلِ رَا | چُنْ ذَرِهَا |
| نشانه‌های هجایی | مستفعلن | مستفعلن | مستفعلن | مستفعلن |
| _U__ | _U__ | _U__ | _U__ | _U__ |

افزون بر آنچه تاکنون از اوزان همسان، گفته‌ایم، پایه‌های آوایی همسان دیگری در وزن شعر فارسی وجود دارد:

برای نمونه به نظم هجاهای و پایه‌های همسان این بیت، توجه کنید:
یار شدم یار شدم با غم تو یار شدم

تا که رسیدم بر تو، از همه بیزار شدم

مولوی

| | | | | |
|------------|---------------|---------------|---------------|-------------------|
| یار شُ دَم | بَا غَ مِ تُ | يَا رُ شُ دَم | يَا رُ شُ دَم | پایه‌های آوایی |
| زار شُ دَم | اَزَهَ مِ بِي | دَم بَ رِ تُ | تَا كِ رِ سِي | |
| مفتعلن | مفتعلن | مفتعلن | مفتعلن | وزن |
| _UU_ | _UU_ | _UU_ | _UU_ | نشانه‌های هجایی |

تقسیم هجاهای این بیت، به دسته‌های چهارتایی، نظمی همسان ایجاد می‌کند. وزن این بیت «مفتعلن» (تن ت ت تن) است.
به شعر زیر، دقّت کنید.

ای نفس خرم باد صبا از بر یار آمده‌ای، مرحبا

سعده

| | | | |
|----------------|-------------|------------------|-------------------|
| دِ صَ با | خُرَزَمِ با | اِ نَفَسِ | پایه‌های آوایی |
| مَرَحَ با | را مَدِ اَي | اَزَرَ بِ رِ يَا | |
| مفتعلن (فاعلن) | مفتعلن | مفتعلن | وزن |
| _U_ | _UU_ | _UU_ | نشانه‌های هجایی |

نمونه بعد هم از پایه‌های آوایی همسان تشکیل شده است؛ اما چینش نشانه‌های هجایی آن متفاوت است؛ همین موضوع سبب می‌شود که «وزن واژه» دیگری پدید آید. این «وزن واژه»، «فعالتن» (ت ت تن تن) است.

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تور حیمی تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنای

سنابی غزنوی

| | | | | |
|-------------|------------|--------------|--------------|-------------------|
| تُ رَحِ مِي | تُ كِي مِي | تُ عَظِ مِي | تُ كَرِي مِي | پایه‌های آوایی |
| رِثَ نایِي | تُ سِزا وا | دِي فَضَ لِي | تُ نَما يَنَ | |
| فعالتن | فعالتن | فعالتن | فعالتن | وزن |
| _UU_ | _UU_ | _UU_ | _UU_ | نشانه‌های هجایی |



خودارزیابی

۱ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و نشانه‌های هجایی هریک را در خانه‌ها، جای دهید:

(الف) بخندد همی باع چون روی دلبر ببoid همی خاک چون مشک اذفر^۱
روdkی

| | | | | |
|--|--|--|--|-----------------|
| | | | | پایه‌های آوایی |
| | | | | وزن |
| | | | | نشانه‌های هجایی |

(ب) هین سخن تازه بگو تاد و جهان تازه شود
وارهد از حدّ جهان، بی حد و اندازه شود
مولوی

| | | | | |
|--|--|--|--|-----------------|
| | | | | پایه‌های آوایی |
| | | | | وزن |
| | | | | نشانه‌های هجایی |

۱. اذفر: خوشبو

پ) دریادلان راه سفر در پیش دارند پا در رکاب راهوار خویش دارند
حمید سبزواری

| | | | | |
|--|--|--|--|-----------------|
| | | | | پایه‌های آوایی |
| | | | | وزن |
| | | | | نشانه‌های هجایی |

ت) سوزد مرا سازد مرا در آتش اندازد مرا وز من رها سازد مرا بیگانه از خویشم کند
دھی معبری

| | | | | |
|--|--|--|--|-----------------|
| | | | | پایه‌های آوایی |
| | | | | وزن |
| | | | | نشانه‌های هجایی |

ث) ای به ازل بوده و نابوده ما وی به ابد زنده و فرسوده ما
نظمی گنجوی

| | | | | |
|--|--|--|--|-----------------|
| | | | | پایه‌های آوایی |
| | | | | وزن |
| | | | | نشانه‌های هجایی |



ج) سعادت به بخشایش داور است
نه در چنگ و بازوی زورآور است
سعدي

| | | | | |
|--|--|--|--|-------------------|
| | | | | پایه‌های آوایی |
| | | | | وزن |
| | | | | نشانه‌های هجایی |

چ) جرمی ندارم بیش از این کز جان وفادارم تو را ور قصد آزارم کنی، هرگز نیازارم تو را
انوری

| | | | | |
|--|--|--|--|-------------------|
| | | | | پایه‌های آوایی |
| | | | | وزن |
| | | | | نشانه‌های هجایی |

ح) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند همه اسمند و تو جسمی همه جسمند و تورو حی
سعدي

| | | | | |
|--|--|--|--|-------------------|
| | | | | پایه‌های آوایی |
| | | | | وزن |
| | | | | نشانه‌های هجایی |

غزل زیر از کلیم کاشانی را بخوانید و موارد خواسته شده را پاسخ دهید:

گر تمنای تو از خاطر ناشاد رود،
نرود حسرت آن چاه زنخدان از دل
تشنه را آب محال است که از یاد رود
نتوان از سر او برد هوای شیرین
لشگر خسرو اگر بر سر فرهاد رود
کاش چون شمع همه سر شود اعضای کلیم
تا سراسر به ره عشق تو بر باد رود

(الف) ویژگی های شعر کلیم را در آن مشخص کنید.

(ب) یک مجاز در بیت سوم مشخص کنید.



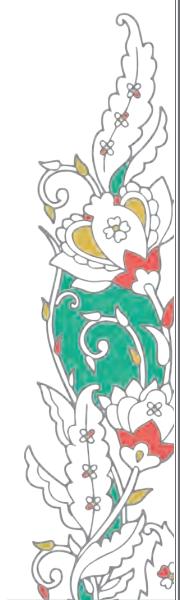
درس نهم

استعاره

در درس پیش آموختیم که گاهی مجاز بر بنیاد شباهت استوار است و علاقه و پیوند بین معنای حقيقی و غيرحقيقی، علاقه مشابه است؛ این نوع مجاز را، استعاره می‌گویند. استعاره، یعنی عاریت و وام گرفتن. در اصطلاح ادبی، استعاره، کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشبّه) را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد کنیم، استعاره پدید آمده است؛ برای مثال:

با کاروان حله بر فتم ز سیستان با حله تبیده ز دل بافته ز جان
فرخی سیستانی

در این بیت، فرخی دوبار کلمه حله را به کار برده است. در مصraع اول حله در معنای حقيقی (جامه حریر) به کار رفته و در مصراع دوم آن را به قرینه‌های تبیده ز دل و بافته ز جان در معنای غيرحقيقی (شعر) به کار برده است. دلیل آن هم شباهت این دو از نظر لطافت و نرمی جامه حریر و شعر بوده است. از سویی دیگر می‌توان گفت شاعر، شعر را در لطافت و نرمی به حله تشبیه کرده و مشبه (شعر) را حذف نموده، مشبهُ به (حله) را به جای آن آورده است.



همچنین در مثال:

آتش است این بانگ نای و نیست باد

مولوی

در مصراع نخست، شاعر دو رکن اصلی تشبیه را ذکر کرده؛ اما در مصراع دوم مشبّه به را آورده است که از آن پی به مشبّه می‌بریم. یا در بیت:

باز امشب ای ستاره تابان، نیامدی

شهریار

محبوب شاعر (مشبّه) حذف شده و «ستاره تابان» و «سپیده شب هجران» (مشبّه به) به جای آن آمده است.

در مثال‌های زیر نیز این کاربرد مجازی و عاریت گرفتن واژه‌ای به جای واژه دیگر را می‌بینیم:

شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق میت افتاد؛ موضعی خوش و خرم و درختان درهم؛ گفتی که خرده مینا بر خاکش ریخته و عقد ثربا از تاکش درآویخته.

گلستان سعدی

گل‌ها و سبزه‌های رنگارنگ (مشبّه) حذف شده و به جای آن خردۀ مینا آمده است. همچنین خوشۀ انگور (مشبّه) حذف شده و به جای آن عقد ثربا آمده است.

برای ساده‌تر شدن سخن، روند رسیدن از تشبیه و ارکان چهار گانه آن به استعاره را می‌توان چنین نشان داد:

| مشبّه به | وجه شبّه | ادات تشبیه | مشبّه | تشبیه گسترده |
|----------|----------|-----------------------------------|-------|--------------|
| مشبّه به | | مشبّه | | تشبیه فشرده |
| | | مشبّه به / مشبّه + ویژگی مشبّه به | | استعاره |

با تبدیل چهار رکن (تشبیه گسترده) به دو رکن (تشبیه فشرده) و باز تبدیل دو رکن به یک



رکن (استعاره)، زیبایی سخن بیشتر می‌شود و کلام رسانتر و هنری‌تر می‌گردد. به عبارت دیگر اگر از چهار رکن تشبیه، دو رکن (مشبه و مشبهُ به) باقی بماند، آرایه تشبیه را داریم؛ اگر از دو رکن تشبیه فقط مشبه به باقی بماند، به آن استعاره آشکار (مصرحه) و اگر مشبه به همراه لوازم یا ویژگی‌های مشبه به بباید، استعاره پنهان (مکنیه) می‌گویند.
به این نمونه دقّت کنید:

گفتا که مرو به غربت و می‌بارید از نرگس تر، به لاله بر مروارید

نظمی

در بیت بالا واژه‌های «نرگس»، «لاله» و «مروارید» در معنای اصلی خود به کار نرفته‌اند؛ بلکه به ترتیب استعاره آشکار از «چشم»، «چهره زیبا» و «اشک» هستند.
مثال دیگر:

تاتورا جای شدای سرو روان در دل من هیچ‌کس می‌نپسندم که به جای تو بود

سعده

سرو روان: استعاره از یار است.

به نمونه‌ای دیگر توجه کنید:

نه / این برف را / دیگر سر باز ایستادن نیست / برفی که بر ابرو و موی ما می‌نشیند.

شاملو

همان طور که در جدول ملاحظه شد، گاه ممکن است از پایه‌های تشبیه، فقط «مشبه» (طرف اول) ذکر شود که در این صورت معمولاً یکی از ویژگی‌های «مشبه به» نیز همراه آن می‌آید؛ برای مثال:

هزار نقش برآرد زمانه و نبود یکی چنان که در آینه تصور ماست

انوری

زمانه (مشبه) به انسانی مانند شده و نقش برآوردن که از ویژگی‌های انسان است همراه مشبه آمده است.

گاه در استعارة پنهان، مشبّه موجودی بی جان و غیر انسان و مشبّه به محوف، انسان است که باعث پیدایش جان بخشی یا تشخیص در کلام می شود؛ برای نمونه:

باغ سلام می کند، سرو قیام می کند
سبزه پیاده می رود، غنچه سوار می رسد
مولوی

در این بیت شاعر به «باغ»، شخصیت انسانی داده است، زیرا سلام می‌کند و سرو مانند انسان قیام می‌کند و سبزه و غنچه نیز رفتار انسانی دارد.

مثال دیگر:

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر دگرباره جوان خواهد شد حافظه

اگر غیر انسان «منادا» قرار گیرد، به این معنا است که آن را «انسان» پنداشته و به او ویژگی انسانی داده ایم؛ و این نیز تشخیص است؛ مثال:

ای آبشار نوچه‌گر از بهر چیستی؟ چین بر جین فکنده زاندوه کیستی؟ زیب النساء

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟

ای سرو پای بسته به آزادگی مناز
آزاده من که از همه عالم بریده ام

بیشکن دل بی‌نوای ما را ای عشق این سازشکسته‌اش خوش‌آهنگ‌تر است
سندھسن جسپری

گاه نیز مشبهٔ به حذف می‌شود و یک ویژگی از آن به مشبهٔ اضافه می‌شود و به صورت ترکیب اضافی می‌آید. به این نوع اضافه، اضافه استعاری می‌گویند. ترکیب «رخ اندیشه» و «لف سخن»، دست زبان اند:

کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب
تا سر زلف سخن را به قلم شانه زند
حافظا





خودارزیابی

۱ در بیت‌های زیر استعاره‌ها را مشخص کنید:

الف) کی ام؟ شکوفه‌اشکی که در هوای تو هر شب
ز چشم ناله شکفتم به روی شکوه دویدم
اوستا

ب) ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی
پیوند روح کردی پیغام دوست دادی
سعدی

پ) ای گل تازه که بویی ز وفا نیست تو را
خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را
وحشی بافقی

ت) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید،
در رهگذار باد نگهبان لاله بود
حافظ

ث) شب ایستاده است / خیره نگاه او / بر چار چوب پنجره من
سپهری

ج) آینه‌ات دانی چرا غمّاز نیست؟
زانکه زنگار از رخش ممتاز نیست
مولانا

ج) دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر
کای نور چشم من به جزا کشته ندروی
حافظ

۲ تشبيه بيت زير را ببایيد و از آن يك استعاره بسازيد و در جمله‌اي به کار ببريد:
دگر باره خيّاط باد صبا بر اندام گل دوخت رنگين قبا
ملک الشعراي بهار

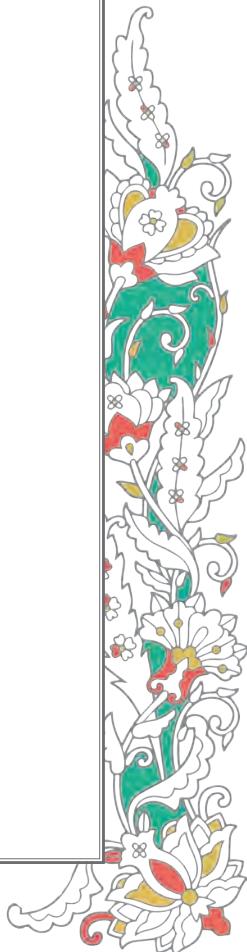
۳ استعاره آشکار را در بیت زیر ببایید و آن را به یک تشبيه کامل تبدیل کنید.

صبحگاهی سر خوناب جگر بگشايد
خاقانی ژاله صبحدم از نرگس تر بگشايد

۴ ویژگی های شعر کلیم کاشانی را در بیت زیر ببایید و وزن واژه های بیت را مشخص کنید:

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی خبریم اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است

کلیم کاشانی



کارگاه تحلیل فصل

۱ غزل زیر را بخوانید و موارد خواسته شده را پاسخ دهید:

جان به لب داریم و همچون صبح خندانیم ما
از سیاهی داغ ما هرگز نمی‌آید برون
پشت چون آینه بر دیوار حیرت داده‌ایم
از شبیخون خمار صبحدم آسوده‌ایم
خرقه از ما می‌ستاند نافه مشکین نفس
حلقه چشم غزالان حلقة زنجیر ماست
گر چراغ بزم عالم نیست صائب کلک ما
دست و تیغ عشق را زخم نمایانیم ما
در سواد آفرینش آب حیوانیم ما
والله خار و گل این باع و بستانیم ما
مستی دنباله‌دار چشم خوبانیم ما
از هوداران آن زلف پریشانیم ما
 دائم از راه نظر در بند و زندانیم ما
چون زخت تیره‌دانم در شبستانیم ما؟

صائب

(الف) ویژگی‌های شعر صائب را در غزل بررسی کنید.

(ب) شعر را از نظر زیبایی‌شناسی تحلیل نمایید.

(پ) وزن شعر را بنویسید.

۲

متن زیر را از نظر زیبایی‌شناسی و ویژگی‌های فکری بررسی نمایید:
«مجموعه‌ای می‌باشد از هر دو عالم روحانی و جسمانی که هم محبت و بندگی به
كمال دارد و هم علم و معرفت به کمال دارد تا بار امانت مردانه و عاشقانه در سفت
جان کشد.»
نجم‌الذین رازی



فصل چهارم

سبک‌شناسی قرن‌های ۱۰ و ۱۱ (سبک هندی)

درس دهم

پایه‌های آوایی همسان دولختی

درس یازدهم

کنایه

درس دوازدهم

* کارگاه تحلیل فصل

درس دهم

سبک هندی

شعر

سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم هجری قمری به مدت ۱۵۰ سال در تاریخ ادبیات فارسی رواج داشت. حکومت صفوی به شعر مدحی و درباری و عاشقانه بهایی نمی‌داد و از طرف دیگر با آموزه‌های سنتی عرفانی نیز در تضاد بود؛ از این رو، شاعران به موضوع‌هایی مثل اندرز، مضمون‌آفرینی و باریک‌اندیشی روی آوردن و تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه و در حقیقت بازسازی اندرزها و تمثیل‌های کهن به شیوه‌های نو در میان شاعران رواج یافت. شعر از حوزهٔ تصرف شاعران باساد و آگاه به فنون ادب خارج شد و در دسترس عامه قرار گرفت و نزد پیشه‌وران و بازاریان رونق گرفت.

این تحول از آن جهت که شعر را به میان عامه مردم برد و با مضمون‌ها و قلمروهای تازه‌ای روبه‌رو کرده حرکت سودمندی بود؛ اما از آن رو که افراد کم‌اطلاع و عامی به شعر روی آوردن و آن را از استواری و سلامت پیشین خود دور ساختند، برای آینده ادبیات زیان بار بود.





ویژگی‌های شعر این دوره در سه قلمرو عبارت‌اند از:

۱. زبانی

(الف) رو آوردن طبقات مختلف مردم – که عمداً آموخته‌های ادبی نداشتند – به عالم ادبیات، باعث شد که زبان کوچه و بازار به شعر راه یابد و از این رهگذر روح تازه‌ای در زبان شعر دمیده شد.

(ب) دایره واژگان شعر گسترش یافت و بسیاری از لغات ادبی قدیم از صحنه شعر رخت بربریست؛ به نحوی که می‌توان گفت زبان شعر سبک هندی، زبان جدید فارسی است و دیگر از مختصات زبان قدیم مخصوصاً سبک خراسانی در آن خبری نیست.

یکی از دلایل حذف مختصات سبکی زبان قدیم در آثار این دوره، حملات پی درپی بیگانگان (مغولان، تیموریان و ازیکان) به ایران، مخصوصاً نواحی مشرق بود که به نابودی کتابخانه‌ها و از بین رفتن آثار کهن منجر شد و فضلاً دیگر با کتب قدیم و درنتیجه با زبان قدیم مأنوس نبودند.

دومین دلیل حذف مختصات سبکی قدیم، تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران و تأثیر پذیرفتن از زبان‌های نواحی گوناگون بود؛ حتی شاعرانی از قبیل صائب هم که در اشعار قدماً تتبع بسیار داشتند، از به کار بردن زبان قدیم پرهیز می‌کردند؛ چرا که شعر از مدرسه به بازار آمده بود و زبان رایج مرسوم، همان زبان مردم عصر بود و بنابراین به کار نگرفتن زبان شعری قدماً را نباید دلیل بی‌فضلی برخی از شاعران بزرگ سبک هندی محسوب کرد. در این سبک لغاتی چون نزاکت، قالی، شیشه، پل، بخیه، سفال و... را که تا این زمان کمتر در شعر راه داشت، رواج یافته بود.

(پ) یکی دیگر از نکات قابل توجه در زبان شعر این دوره ورود لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در حوزه شعر و ادب است.

(ت) در این دوره از یک سوابازیین رفتن سلطه حکومت بغداد بر ایران، کاربرد لغات عربی کم شد و از سوی دیگر حملات تیموریان و ازیکان، به رواج لغات ترکی و ضعف زبان فارسی منجر گردید؛ به خصوص که سلاطین صفوی هم در دربار به ترکی سخن می‌گفتند.



ث) زبان سبک هندی را باید زبانی واقع‌گرا قلمداد کرد؛ زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است.

در مجموع می‌توان گفت بی‌توجهی به زبان، بی‌دقّتی در کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌ها و ورود واژه‌های عامیانه در شعر این دوره کاملاً مشهود است.

۲. ادبی

(الف) در سبک هندی به دلیل کم‌توجهی شاعران کوچه و بازار به آرایه‌های ادبی، بدیع و بیان جز به صورت طبیعی و تصادفی کمتر استفاده شده است. البته در شعر برخی از شاعران شاخص این دوره استفاده از آرایه‌های ادبی از جمله شبیه بسیار رواج دارد. تلمیح نیز در مضمون‌سازی نقش فعالی دارد؛ (البته تلمیحات رایج نه تلمیحات غریب و نادر). حسن تعلیل، حس‌آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله نیز از دیگر آرایه‌های پرکاربرد این سبک‌اند.

(ب) قالب مسلط در این دوره به ظاهر غزل است؛ اما غزلی که گاهی به ۴۰ بیت هم می‌رسد و تکرار قافیه در آن امری طبیعی است. سببیش آن است که در حقیقت شاعر سبک هندی، تک‌بیت‌گو است؛ یعنی قالب حقیقی شعرش مفردات است. منتها شاعر این ایات مستقل را به وسیلهٔ رشتۀ قافیه و ردیف به هم گره می‌زند. شاعر تک‌بیتی می‌سازد و آن را در غزلی که مناسب آن بیت باشد، قرار می‌دهد و از این رو کم و زیاد کردن ابیات غزل، آسیبی به شعر نمی‌زند.

(پ) استفاده از ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ نیز در شعر این دوره رایج است؛ برای مثال: خواهم‌شدن، می‌شود پیدا، می‌برد مرا، دیگر است و... .

۳. فکری

(الف) شعر هندی شعری معنی‌گرایست؛ نه صورت‌گرا و شاعران به معنی بیشتر توجه دارند تا به‌زبان. معروف است که هیچ معنا و مضمونی در جهان نیست که در شعر صائب نیامده باشد. او از گل‌قالی، تندباد و تبخال مضمون ساخته است. شاعران این دوره به دنبال مضمون‌سازی از هر چیزی در عالم طبیعت یا در ذهن استفاده کردند؛ اما اینها همه در



سطح‌اند و به خلق آثار معنایی بزرگی چون شاهنامه فردوسی و مثنوی مولانا یا آثار عطار و سنایی و نظامی منجر نشده‌اند.

(ب) شعر در سبک هندی بیشتر در تک‌بیت خلاصه است و طول و عرض معنا از یک بیت پیش‌تر نمی‌رود و نهایت اینکه تحسین و اعجابی را در حد آن بیت بر می‌انگیزد.

(پ) کار شاعران سبک هندی ترجمه مطالب فلسفی و عرفانی و غنایی گذشتگان به بیان سبک هندی بود و گاهی آن را با وجود داشتن ابهام، قابل درک‌تر و خلاصه‌تر بیان کرده است. کوشش شاعر سبک هندی مضمون‌بایی و ارائه خیال خاص و معنی برجسته است؛ یعنی یافتن فکری جزئی اما تازه و نگفته، و بیان آن به صورتی اعجاب‌انگیز.

نشر دوره هندی

نشر کتاب‌های این دوره سه نوع است:

ساده



مراد از نشر ساده در این دوره نشر مرسلی نیست که امثال بلعمی می‌نوشته‌اند. در نشر ساده این دوره لغات و ترکیبات عربی و اشاره به آیات و احادیث و در آمیختگی شعر و نثر کم نیست. کتب معروفی که به این شیوه نوشته شده‌اند:

(الف) کتاب‌هایی که در خارج از ایران نوشته شده‌اند:

- کتب داراشکوه در هند
- شرفنامه بدليسی در عثمانی
- بدايي الواقع در ماوراء النهر

(ب) کتاب‌هایی که در ایران نوشته شده‌اند:

در تاریخ:

- تذکره شاه طهماسب از شاه طهماسب صفوی؛
- عالم آرای عباسی از اسکندر بیگ ترکمان؛



در عرفان:

- عین الحیات از علی بن حسین واعظ کاشفی؛

در زندگی‌نامه:

- مجالس المؤمنین از قاضی نورالله شوشتاری؛

در فقه:

- جامع عباسی از شیخ بهایی.

۲ مصنوع

در دوره صفویه از نشر مصنوع در فرمان‌ها و منشآت و دیباچه کتاب‌ها استفاده می‌شد؛ همچنان که دیباچه آثاری مثل شرفنامه بدليسی و عیار دانش به نشر مصنوع است؛ اما از کتبی که تماماً به این شیوه نوشته شده‌اند از همه معروف‌تر عباس‌نامه وحید قزوینی و محبوب‌القلوب میرزا برخوردار فراهی است.

نشر مصنوع این دوره حلاوت و فاختمت نثر فنی قرن‌های ششم و هفتم را ندارد و هر چه هست، تکلف و بی‌ذوقی و غلط‌پردازی است.

۳ بینابین

نشری است نه چندان ساده و نه چندان دشوار؛ می‌توان گفت که قصد نویسنده در اصل آسان‌نویسی بوده است؛ هر چند امروزه چندان روان و آسان به نظر نمی‌رسد. از نمونه‌های معروف نثر بینابین کتاب حبیب‌السیر از خواندمیر و احسن‌التواریخ از حسن‌بیگ روملو است.

ویژگی‌های نثر این دوره

برخی از ویژگی‌هایی که کم و بیش در هر سه نوع نثر این دوره وجود دارد، عبارت‌اند از:

الف) قلمرو زبانی

۱ درآمیختگی نظم و نثر؛

۲ کاربرد وجه وصفی؛

۳ جمع بستن با «ات» هم در کلمات عربی (محاربات)، هم در فارسی (گیلانات) و هم در



ترکی و مغولی (بیلاقات)؛

۴ مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی؛

۵ آوردن تتابع اضافات در مقام تعارف و تمجید از بزرگان یا به سبب قرینه پردازی و موازنی؛

۶ آوردن جملات طولانی؛

۷ کاربرد افعال با پیشوندهای متعدد؛

۸ فراوانی لغات ترکی و مغولی.

(ب) ادبی

نشر این دوره از دیدگاه ادبی ارزش والایی ندارد؛ زیرا به زبان عامیانه نزدیک است و اگر بخواهند متنی ادبی بنویسند، تصنیعی و با تکلف خواهد بود. انحطاط ادبی در این زمان از دوره تیموری هم بیشتر شده است. استفاده از آیات، احادیث و عبارات عربی رواج بیشتر یافت و در آرایه تلمیح نمودار شد و ضرب المثل‌های شیرین فارسی به عبارات عربی مکرر و بی‌روح بدل گردید.

کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتاب‌های نشر - که غالباً سروده خود مؤلفان است - رواج داشت، به علاوه بی‌دقّی در ذکر تاریخ و حوادث تاریخی و رواج مধ و چاپلوسی، نشر این دوره را از رونق انداخت. آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان‌ها (مغولی، ترکی، عربی و...) نگارش کتاب‌هایی با عنوان فرهنگ‌لغت را در این دوره رواج داد.

(پ) فکری

تأثیر فساد و تیره‌بختی چند قرن گذشته و کشتار مردم و فرار دسته‌جمعی افراد باذوق و آزاده از بیم تبعیغ استبداد، به خارج از ایران و کشته شدن یا مردن آنان از گرسنگی و فقر، همه‌اینها بیانگر آن است که در عصر اعتلای صفوی؛ یعنی زمان شاه عباس اول، ایران از نویسنده قوی دست خالی ماند.



خودارزیابی



۱ | **ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری سرودهٔ زیر را استخراج کنید:**

| | |
|--|---|
| چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده‌ام چون گل پژمرده بر روی مزار افتاده‌ام بنض موجم، در تپیدن بی قرار افتاده‌ام در چمن بیکار چون دست چنار افتاده‌ام دور از مژگان ابر نوبهار افتاده‌ام صائب | روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده‌ام دست رغبت کس نمی‌سازد به سوی من دراز اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی عقده‌ای هرگز نکرم باز از کار کسی همچو گوهر گردلم از سنگ گردد دور نیست |
|--|---|

| قلمرو فکری | قلمرو ادبی | قلمرو زبانی |
|------------|------------|-------------|
| | | |
| | | |
| | | |
| | | |

۲ | **بیت‌های زیر را از نظر ویژگی ادبی بررسی کنید.**

(الف) ای گل که موج خندهات از سر گذشته است آمده باش گریه تلخ گلاب را
صائب

(ب) به یک کوشمه که در کار آسمان کردی هنوز می‌پرد از شوق چشم کوکب‌ها
صائب

۳ | سبک نثر دورهٔ هندی را با نثر دورهٔ عراقی از نظر زبانی تحلیل کنید.

۴ | در مورد دلیل نگارش کتاب‌های لغتنامه در دورهٔ هندی تحلیل کنید.

۵ | بیت زیر را از نظر زیبایی‌شناسی تحلیل کنید:

ز منجنيق فلك سنگ فتنه می‌بارد من ابلهانه گريزم به آبگينه حصار
عرفي شيرازى



وزن بیت زیر را بررسی کنید:

تو این عهدی که با من بسته بودی مگر بهر شکستن بسته بودی
طالب آملی

۷ متن زیر را از کتاب تاریخ عالم آرای عباسی از نظر ویژگی‌های زبانی و ادبی نثر این دوره (قرن‌های دهم و یازدهم) بررسی نمایید:

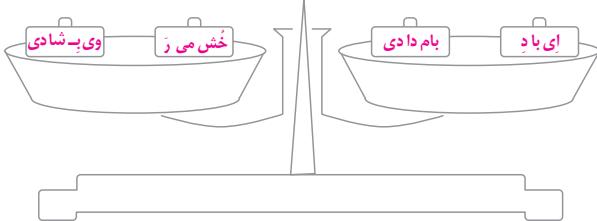
از طبقه علیه شعرا که ناظمان مناظم سخن پیرایی و پیرانه بندان سلسله معنی آرایی اند در آن هنگام در اردیه معاً و ممالک محروسه، شاعران سخنور و سخنوران بالاغت گستر بی شمار بودند در اوایل حال حضرت خاقانی جنت مکانی توجه تمام به حال این طبقه بود.

اسکندر بیگ ترکمان



درس یازدهم

پایه‌های آوای همسان و نخستی



در درس‌های گذشته با اوزان همسان، که از تکرار یک پایه آوایی، ایجاد می‌شد، آشنایی شده‌ایم. اکنون با گونه‌ای دیگر از وزن‌های همسان، آشنا می‌شویم:

به آهنگ خوانش شعر زیر، توجه کنید:

ای بـاد بـام دـادی، خـوش مـی روـی بـه شـادی بـیـونـد روـح کـرـدـی، بـیـغـام دـوـسـت دـادـی

سعـدـی

| | | | |
|---------------|--------------|--------------|--------------|
| وی بـ شـادـی | خـوش مـی رـ | بـام دـادـی | ای بـاد |
| دوـسـت دـادـی | بـیـغـام مـی | روـح کـرـدـی | پـیـونـد دـی |



می‌بینیم که نظم همسان پایه‌های این بیت، دو لختی است، یعنی دو واژه با هم، پایه آوازی به شمار می‌آیند. به بیان دیگر، وزن این شعر از تکرار یک پایه همسان، حاصل نشده است، بلکه یک پایه، یک درمیان تکرار شده است. در اینجا هر مصraع، به دو پاره، تقسیم می‌شود. موسیقی و آهنگ پاره دوم، تکرار همان موسیقی پاره نخست است. این نوع وزن، وزن همسان دولختی یا «دوری^۱» نامیده می‌شود. در این وزن، میانه هر مصraع با درنگ و مکثی آشکار، همراه است. در خوانش هم این گستالت آوازی باید رعایت شود.

برای درک بهتر نظم پایه‌های همسان دولختی، وزن و نشانه‌های هجایی بیت را نشان می‌دهیم.



| پایه‌های آوازی | ای با د | با م دا دی | خُش می ر | وی بِشا دی |
|-----------------|---------|------------|----------|-------------|
| وزن | مفعول | فاعلاتن | پی غام | دو ست دا دی |
| نشانه‌های هجایی | U -- | -- U -- | U -- | -- U -- |

این شعر، چهار پایه آوازی دارد. هر مصraع آن از دو پاره همسان تشکیل شده است. اگر هجاهای این شعر را به دسته‌های (سه تایی یا چهارتایی) تقسیم کنیم نظم و آهنگ آن از دست می‌رود.

توجه:

این وزن، برپایه برش هجایی دسته «سه تایی - چهارتایی»، به دست آمده، اگر هجاهای را به شیوه چهارتایی - سه تایی، دسته‌بندی کنیم، وزن واژه «مستفعلن فولن» به دست می‌آید. در نظم همسان دولختی، هر مصraع از دو پاره همگون تشکیل می‌شود. در این نوع وزن، هر نیم مصraع در حکم یک مصraع است. هجای پایان نیم مصraع، مانند پایان مصraع، بلند است. بنابراین هجای کوتاه یا کشیده در پایان نیم مصraع، هجای بلند به شمار می‌آید.

۱. برخی از اوزان همسان دولختی، ویژگی‌های اوزان دوری را ندارند.

به نظم هجاهای بیت زیر توجه کنید:

سلسله موی دوست، حلقه دام بلاست

هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست

سعدي

| | | | |
|------------|-------------|-------------|--------------|
| مِ بَ لاست | حَلْقِيْ دا | موِيْ دوست | سِلْسِلِيْ |
| ما جَ راست | فارِغَ زین | حَلْقِ نیست | هَرِکِ دَرین |

می‌بینیم که هجای پایان نیم مصراع، «دوست» و «نیست»، هجای کشیده است، اما در این شعر به صورت یک هجای بلند محسوب می‌شود.

اکنون که پایه‌های آوایی این شعر را درک کرده‌ایم، آن را یک بار دیگر، با وزن و نشانه‌های هجایی، نشان می‌دهیم:

| پایه‌های آوایی | سِلْسِلِيْ | موِيْ دوست | حَلْقِيْ دا | مِ بَ لاست |
|-----------------|------------|------------|--------------|------------|
| وزن | | | هَرِکِ دَرین | ما جَ راست |
| نشانه‌های هجایی | | | فارِغَ زین | فاعلن |
| نـ | ـ U U | ـ U | ـ U | ـ U |

وزن این بیت، «مفتعلن فاعلن // مفتعلن فاعلن» است.

به نمونه‌ای دیگر توجه کنید:

هان ای دل عبرت بین، از دیده عبرکن هان ایوان مداین را، آیینه عبرت دان

خاقانی

| | | | |
|------------|--------------------|--------------|--------------------|
| هـانـیـ دـ | لـ عـبـرـتـ بـیـنـ | اـزـ دـیدـهـ | عـ بـرـ کـنـ هـانـ |
| اـ وـ انـ | مـ دـاـيـنـ رـاـ | آـيـيـنـ | يـ عـبـرـتـ دـانـ |



پایه‌های آوایی این شعر نیز از ارکان دولختی (متناوب) تشکیل شده است.
همین بیت را با وزن و نشانه‌های هجایی نشان می‌دهیم:

| | | | | |
|-------------------|--------------|--------------------|-------------|-----------------|
| عِ برْ کُنْ هَانِ | آَزْ دِيِ دِ | لِ عِبَرَتْ بَيْنِ | هَا نِيِ دِ | پایه‌های آوایی |
| يِ عِبَرَتْ دَانِ | آَيِيِ نِ | مَ دَاهِنِ رَاهِ | إِ وَانِ | |
| مَفَاعِيلِنِ | مَفَعُولِ | مَفَاعِيلِنِ | مَفَعُولِ | وزن |
| — — — U | U — — | — — — U | U — — | نشانه‌های هجایی |

آنگاه این شعر نیز از دو پایه، تشکیل شده است؛ پاره دوم تکرار پاره نخست است.
به بیان دیگر وزن این شعر از تکرار دو پایه متفاوت، به صورت دوبار در هر مصraع تشکیل
شده است. «وزن» این بیت، دوبار «مفعول مفاعیلن» در هر مصراع است، که وزن همسان
دولختی (دوری) به شمار می‌آید.

توجّه:

این وزن، برپایه برش هجایی دسته «سه تایی — چهارتایی» به دست آمده، اگر هجایها
را به شیوه «چهارتایی — سه تایی»، دسته‌بندی کنیم، وزن «مستفعل مفعول» به دست
می‌آید.

در این دسته از وزن‌ها، دولخت با هم یک واحد موسیقایی به شمار می‌آیند؛ یعنی در
اینجا هر مصراع چونان دو کفه ترازو است که باید واحد موسیقایی هم‌سنگی داشته باشد.
آرایش پایه‌ها در اوزان همسان تک پایه‌ای و دولختی را، می‌توان به گونه زیر نشان داد:

□ □ □ □ = الف الف الف الف

□ Δ // □ Δ = الف ب // الف ب



افزون براین وزن‌ها، در شعر فارسی وزن‌های همسان دولختی دیگری وجود دارد که در دوره‌های تحصیلی بالاتر با آن آشنا خواهید شد. مانند بیت زیر:

تا دل هرزه‌گرد من رفت به چین زلف او زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند

حافظ

وزن بیت زیر «مفتعلن مفاعلن / مفتعلن مفاعلن» است:

| | | | | |
|---------------|--------------|------------|------------|-------------------|
| نِزُكْلِفِ او | رَفَتْ بِچِي | زِگَرِدِمن | تا دِلِهَر | پایه‌های آوایی |
| نِمِی‌کُند | عَزِمِ وَطَن | دِرازِ خُد | زان سَفَر | |
| مفاعلن | مفتعلن | مفاعلن | مفتعلن | وزن |
| _ U _ U | _ U U _ | _ U _ U | _ U U _ | نشانه‌های هجایی |

خودارزیابی



۱ کدام یک از بیت‌های زیر، دارای نظم همسان دولختی است؟ پس از تعیین پایه‌های آوایی هر یک، وزن آن را بنویسید:
(الف) یک عمر دور و تنها، تنها به جرم اینکه

او سرسپرده می‌خواست، من دل سپرده بودم

بهمنی

(ب) درودی چو نور دل پارسایان بدان شمع خلوتگه پارسایی

حافظ

۲ در نمونه‌های زیر، بیت‌هایی را که وزن همسان دولختی دارند، مشخص کنید:
(الف) الفبای درد از لبم می‌تراود نه شبنم که خون از شبم می‌تراود
(ب) قیصرامین پور



(ب) آینه سکندر، جام می است بنگر
تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا
حافظ

(پ) ای صبح شب نشینان جانم به طاقت آمد
از بس که دیر ماندی چون شام روزه داران

سعدی

(ت) چو دل بر نهی بر سرای کهن
کند ناز وز تو بپوشد سخن
فردوسي

۳ پایه های آوای بیت های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ابیات زیر
دارای وزن همسان دولختی هستند؟

(الف) باغ سلام می کند، سرو قیام می کند
سبزه پیاده می رود، غنچه سوار می رسد
مولوی

(ب) ای صاحب کرامت، شکرانه سلامت
روزی تفقدی کن درویش بینوا را
حافظ

۴ بیت زیر را بخوانید و مطابق جدول زیر، پایه های آوای، وزن و نشانه های هجایی آن
را بنویسید.

ای دوست شکر خوشتیری آن که شکر سازد؟
خوبی قمر بهتر، یا آن که قمر سازد؟

مولوی

| | | | | |
|--|--|--|--|------------------|
| | | | | پایه های آوای |
| | | | | وزن |
| | | | | نشانه های هجایی |
| | | | | |

۵ برای هر کدام از موارد زیر از خودارزیابی‌ها نمونه‌ای بباید و بنویسید:

(الف) مجاز:

(ب) استعاره:

(پ) تشبیه:

۶ بیت خودارزیابی ۴ را از نظر فکری تحلیل کنید.



درس دوازدهم

کنایه



کنایه هم گونه‌ای از مجاز است که بر بنیاد اصل مجاورت استوار است. همان‌طور که استعاره بر بنیاد مشابه استوار بود. در کنایه هم معنای قاموسی و واژگانی عبارت (معنای نزدیک) و هم معنای مجازی (معنای دور) با هم به ذهن خواننده می‌آیند؛ اما خواست گوینده معنای دور است و آن را با تأمل در اجزای کلام و بافت سخن می‌توان دریافت. به عبارتی در کنایه معنای نزدیک و دور لازم و ملزم یکدیگر هستند و با دقّت در اجزای کلام، از معنای نزدیک به معنای دور منتقل می‌شویم.

کنایه در لغت، یعنی «پوشیده سخن گفتن» و در اصطلاح، واژه یا عبارتی است که معنای ظاهری و نزدیک آن، مورد نظر گوینده نیست؛ بلکه مفهوم دور آن مدنظر است؛ مثال:

وقتی می‌گوییم «فلانی دست به جیب است» سخنی به کنایه گفته‌ایم و منظورمان این است که او مرد خیر و بخشندۀ است و صرفاً هدف ما این نیست که بگوییم او دست به جیب می‌برد.



به این بیت توجه کنید:

همت مردانه می خواهد گذشتن از جهان یوسفی باید که بازار زلیخا بشکند
صائب

ذهن ما در عبارت «بازار شکستن» با توجه به واژگان و اصطلاحات به کار رفته در بیت مثل یوسف، گذشتن از دنیا و داشتن همت مردانه، به معنای دور آن یعنی «بی رونق کردن» راهنمایی می شود.
چند مثال دیگر :

- سخن او بر سر زبان‌ها افتاد.
- زاغی از آنجا که فراغی گزید، رخت خود از باغ به راغی کشید
- اکنون همچنین علمای زمان در علوم موی می شکافند.
- بر سر زبان افتادن کنایه از «فاش شدن»، رخت کشیدن کنایه از «کوچ کردن» و «موی شکافتن» به معنای دقّت کردن و ریزبینی است.
- دامن کشان که می روی امروز بر زمین فردا غبار کالبدت بر هوا رود

سعده

دامن کشان بر زمین راه رفتن، کنایه از «ناز و غرور داشتن» است. مصراع دوم نیز، کنایه از «مردن» است.

فرق کنایه با مجاز

در مجاز، فقط یکی از دو معنی، قابل دریافت است آن هم معنی غیر حقیقی، اما در کنایه، هر دو معنی دور و نزدیک دریافت می شود؛ ولی معنی دور اراده شده است. برای مثال وقتی در بیان خسیس بودن کسی می گوییم: آب از دستش نمی چکد، هم معنای نریختن آب از دست دریافت می شود، هم معنای دوم یعنی خسیس بودن؛ اما معنای دوم مورد نظر شاعر است.



فرق استعاره و کنایه

معمولًاً استعاره در «واژه» و کنایه در «ساختار کلام»، روی می‌دهد؛ مثال:
به خون خود آغشته و رفته‌اند چه گل‌های رنگین به جوبارها

علامه طباطبائی

در این بیت گل‌ها استعاره از شهیدان است؛

اما در بیت:

دامن هر گل مَّجِير و گرد هر بلبل مَّگرد طالب حسن غریب و معنی بیگانه باش
صائب

عبارت‌های: «دامن چیزی را گرفتن» و «گرد چیزی گردیدن» کنایه هستند و در بافت کلام و عبارت آمده‌اند.

چند کنایه دیگر:

دسته گل به آب دادن، کنایه از «اشتباه بزرگ کردن»
دست و پا گم کردن، کنایه از «دچار نگرانی شدن، هول شدن»
تنگدست بودن، کنایه از «فقیر بودن»
ثابت قدم بودن، کنایه از «با اراده بودن»

خود ارزیابی

۱ کنایه‌ها را در مثال‌های زیر بیابید.

(الف) عاقل چون خلاف اندر میان آید، بجهد و چون صلح بیند، لنگر بنهد.
گلستان سعدی

(ب) ای پای به گل فرو شده، ای خسته تیر بلا، همه ما را خوانید؛ گرد در ما گردید.
کشف الاسرار مبیدی

(پ) دل‌ها اگر چه صاف، ولی از هراس سنگ آیینه بود میل تماشا شدن نداشت

سلمان هراتی

(ت) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک بگفت آنگه که باشم خفته در خاک
نظمی

(ث) در هر طرف ز خیل حوادث کمین گهی است زان رو عنان گسسته دواند سوار عمر
حافظ

(ج) به کس مگوی که پایم به سنگ عشق برآمد که عیب گیردو گوید چرا به فرق نپویی
سعده

مفهوم کنایی عبارت‌های زیر را مشخص کنید:

(الف) چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت
فردوسی

(ب) از مكافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو
مولوی

(پ) نقشی بر آب می‌زنم از گریه حالیا تا کی شود قرین حقیقت، مجاز من
حافظ

(ت) قمری ریخته بالم به پناه که روم؟ تابه کی سرکشی ای سرو خرامان از من؟
کلیم همدانی

در نمونه‌های زیر کنایه‌ها را بیابید و مفهوم کنایی آنها را بیان کنید.

(الف) ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روز دریابی
سعده

(ب) بس بگردید و بگردد روزگار دل به دنیا در نبند هوشیار
سعده



پ) از در درآمدی و من از خود به در شدم گویی کزین جهان به جهان دگر شدم

سعده

ت) الهی پیشانی برخاک نهادن آسان است؛ دل از خاک برداشتن دشوار است.

حسن زاده آملی

ث) در سلطان و شه را روزها بیهوده کوبیدن، دگر در کوی شاه خود کنم خاکی به سر امشب

محوی

ویژگی‌های زبانی و فکری مثال‌های خودارزیابی ۲ را بررسی کنید. ۴

وزن بیت زیر را بیابید: ۵

تشنه روی توام، بوی ز من وا مگیر زنده به بوی توام، باز مدار از من آب

عرافقی





کارکاه تخلیل فصل

۱ دو غزل زیر را بخوانید و پرسش‌ها را پاسخ دهید:

هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست
که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست
به راستان که بمیرم بر آستان ای دوست
اگر مراد تو قتل است، وارهان ای دوست
به دوستی که غلط می‌برد گمان ای دوست

سعدي

مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست
چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم
گرم تو در نگشایی کجا توانم رفت
مرا رضای تو باید، نه زندگانی خویش
که گفت سعدی از آسیب عشق بگریزد

ای دفتر حسن تو را فهرست، خط و خال‌ها
تفصیل‌ها پنهان شده در پرده اجمال‌ها
آتش‌فروز قهر تو، آینه‌دار لطف تو
هم مغرب ادب‌های، هم مشرق اقبال‌ها
پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما
آینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها



با عقل گشتم همسفیر یک کوچه راه، از بی کسی
 شد ریشه ریشه دامنم از خار استدلال‌ها
 هر شب کواكب کم کنند از روزی ما پاره‌ای
 هر روز گردد تنگ‌تر سوراخ این غربال‌ها
 هر چند صائب، می‌روم سامان نومیدی کنم
 زلفش به دستم می‌دهد سررشته آمال‌ها

صائب

الف) وزن هر دو غزل را بیابید.

ب) دو غزل را از نظر قلمرو زبانی و فکری مقایسه و تحلیل کنید.

پ) دو غزل را از دیدگاه زیبایی شناسی تحلیل نمایید.

۲ در ایيات و عبارات زیر تشبيه را مشخص کنید و ارکان تشبيهات فشرده را بنویسید:

(الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی
قیصر امین پور

(ب) پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل
 از گل دل کرد.

مرصاد العباد

(پ) پروردگارا روا مدار در ظلمات جهل و ضلال از چراغ هدایت به دور افتم.
صحیفه سجادیه

(ت) مه طاسک گردن سمندت شب طره پرچم سیاهت
 چرخ ار چه رفیع، خاک پایت عقل ار چه بزرگ طفل راهت
جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

(ث) دریایی شورانگیز چشمان تو زیباست آنجا که باید دل به دریا زد، همین جاست
حسین منزوی



۳ مجاز را در بیت‌های زیر مشخص کنید:

الف) عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه انگیز جهان نرگس جادوی تو بود

حافظ

ب) دیدی که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند شفائی اصفهانی

پ) از تو به که نالم که دگر داور نیست وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست

سعدي

۴ در ایيات و عبارات زیر استعاره را بیابید و مشخص کنید که آن استعاره، کدام رکن باقی‌مانده از تشبیه است؟

الف) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه بان دارد بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد

حافظ

ب) دلاتا کی در این زندان فریب این و آن بینی یکی زین چاه ظلمانی برون شوتا جهان بینی سنایی

۵ در ایيات زیر عبارت کنایه را مشخص کنید و مفهوم کنایی آن را بنویسید.

الف) به تیغم گر کشد، دستش نگیرم و گر تیرم زند منت پذیرم

حافظ

ب) یکی نغザی کند روز گار که بنشاند پیش آموزگار

فردوسي

۶ آرایه‌های تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه را در ایيات و عبارات زیر مشخص کنید:

الف) داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو کز باع جهان لاله عذاران همه رفتند

محمد تقی بهار



(ب) با آسمان مفاخره کردیم تا سحر او از ستاره دم زد و من از تو دم زدم

حسین منزوی

(پ) این نعمه محبت بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران

شفیعی کدکنی

(ت) الهی، عقل گوید: الحذر، الحذر؛ عشق گوید: العجل، العجل.

آیت الله حسن زاده آملی

(ث) از دیده گر سرشک چو باران چکد، رواست کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر حافظ

(ج) روشني روز توبي، شادي غم سوز توبي ماه شب افروز توبي، ابر شکر بار بيا مولوي

(چ) چون در اين آيات تأمل کنند، بهار توحید از دل های ایشان سر برزند. درخت معرفت به بار آيد، چشمء حکمت گشايد، یاسمين شوق بردهد.

کشف الاسرار مبیدی

(ح) دلم شکستي و رفتی، خلاف شرط موذت به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستي سعدی

(خ) تو قامت بلند تمایی ای درخت / همواره خفته است در آغوشت آسمان / بالای ای درخت سیاوش کسرابی

(د) جهان را سر به سر آینه می دان به هر یک ذره ای صد مهر تابان شیخ محمود شبستری

(ذ) همگنان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید. اخوان ثالث



(ر) ای گل بوستان سرا، از پس پرده‌ها درآ
بوی تومی کشیدم را، وقت سحر به بستان

صائب

(ز) پیداست از گلاب سرشکم که من چو گل

شهریار

(ژ) موی سفید را فلکم رایگان نداد

رهی معیری

۷ با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی آنها را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

(الف) اگر تو ز آموختن سر بتابی،
نجوید سر تو همی سروری را
ناصر خسرو

| | | | |
|--|--|--|--|
| | | | |
| | | | |

(ب) در هوایت بی قرارم روز و شب سر ز پایت بر ندارم روز و شب

مولوی

| | | |
|--|--|--|
| | | |
| | | |

۸ با خوانش بیت‌ها، مرز پایه‌های آوایی را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آنها طراحی نموده، هر پایه را در خانه خود جای دهید و وزن آنها را بنویسید:

(الف) ز چشم شوخ توجان کی توان برد

(ب) نمیرم از این پس که من زنده‌ام

حافظ

فردوسی



۹ با توجه به آهنگ بیت زیر، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در جای خالی بنویسید:

نمی دانم بگو عشق تو از جانم چه می خواهد

چه می خواهد بگو عشق تو از جانم؟ نمی دانم

قیصر امین پور

| | | | |
|------------|-------|-----------|-----------|
| ج می خا هد | | ب گو عش ق | ن می دانم |
| ن می دانم | | | |

۱۰ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و نشانه‌های هجایی هریک را در خانه‌ها قرار دهید:

(الف) بازآمدم بازآمدم، از پیش آن یارآمدم
در من نگر، در من نگر، بهر تو غمخوار آمدم
مولوی

| | | | |
|--|--|--|-----------------|
| | | | پایه‌های آوایی |
| | | | وزن |
| | | | نشانه‌های هجایی |

(ب) ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده نظامی

| | | | |
|--|--|--|-----------------|
| | | | پایه‌های آوایی |
| | | | وزن |
| | | | نشانه‌های هجایی |

۱۱ پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ایات زیر دارای وزن همسان دولختی هستند؟

(الف) از نظرت کجارود، وربود تو همراهی رفت و رهانمی کنی، آمدوره نمی دهی

سعده

(ب) اشک سحر زداید، از لوح دل سیاهی خرم کند چمن را، باران صبحگاهی

رهی معیری

۱۲ بیت‌هایی را که نظم همسان دولختی (دوری) دارند، مشخص کنید:

(الف) در سینه‌ام دوباره غمی جان گرفته است امشب دلم به یاد شهیدان گرفته است

سلمان هراتی

(ب) بسیار گنه کردیم، آن بود قضای تو شاید که به ما بخشی، از روی کرم آنها سنایی

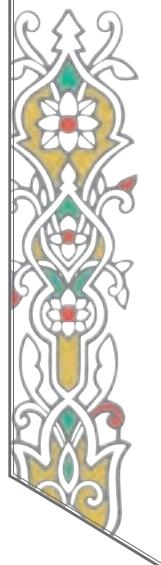
(پ) هردم از این باغ بری می‌رسد تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد نظامی

۱۳ بیت‌های زیر را تقطیع هجایی کنید و مطابق جدول زیر، پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی آن را بنویسید:

(الف) دائم گل این بستان، شاداب نمی‌ماند دریاب ضعیفان را در وقت توانایی سعدی

(ب) هرنفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم، عزم تماسا که راست مولوی

(پ) غمناک نباید بود، از طعن حسودای دل شاید که چو واپینی، خیر تو در این باشد حافظ



| | | | | |
|--|--|--|--|-------------------|
| | | | | پایه‌های آوایی |
| | | | | وزن |
| | | | | نشانه‌های هجایی |



نیایش

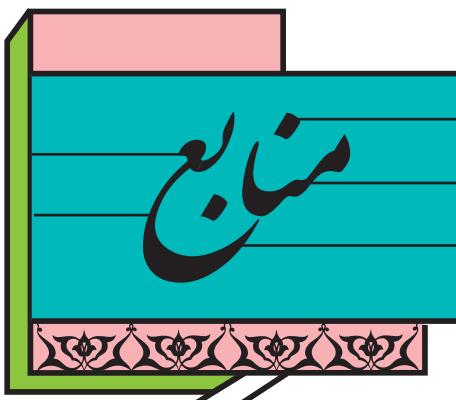
خداوندا، کیست که ساغر محبت از دست تو نوش کرد و حلقه بندگی دیگری در گوش
کرد؟

خدایا، کدامین کهکشان بر گرد تو گشت و واله و حیران تو نگشت؟
معشوقا، کدامین انسان، پیشانی عشق بر خاک ربویت تو سایید و دل به دیگری
سپرد؟

ای آرزوی دل های آرزومندان؛ ای اشتیاق مشتاقان؛ ای امید امیدواران؛ ای عشق
عاشقان؛ آتش عشقت را در خرم و جودم بیفکن، سبزینه محبتت را در برگ های به
زردی گراییده وجودم بدوان.

خدایا، به من نگاهی ده که جز روی تو نتواند دید و گوشی که جز صدای تو نتواند
شنید.

امام سجاد علیه السلام



- آرایه‌های ادبی، هادی، روح الله، اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، ۱۳۹۴.
- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۲.
- آموزش عروض و قافیه از دریچه پرسش، هادی، روح الله، سمت، تهران، ۱۳۹۲.
- ادبیات فارسی (قافیه، عروض، سبک‌شناسی و نقد ادبی)، دوره پیش‌دانشگاهی، وجودیان کامیار، تقی، زرین کوب، عبدالحسین و زرین کوب، حمید، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۹۴.
- الهی نامه، عطّار نیشابوری، فریدالدین، به تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران.
- برسی اوزان شعر فارسی (عروض)، زمانیان، صدرالدین، انتشارات فکر روز، چاپ بنیاد جانبازان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- بهارستان، جامی، عبدالرحمن، به کوشش اسماعیل حکمی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴.
- تاریخ ادبیات ایران، رضا زاده شفق، صادق، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۴۳.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذیح الله، نشر فردوس، تهران، ۱۳۸۲.
- تاریخ ادبیات ایران و جهان ۱ (کتاب درسی وزارت آموزش و پرورش)، یاحقی، محمد جعفر، اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، ۱۳۹۴.
- حافظنامه، خرم‌شاهی، بهاء الدین، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
- حدیقة‌الحقيقة، سنایی، ابوالمجد مجدد بن آدم، به تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۹.
- خمسه نظامی، به تصحیح وجد دستگردی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۳.
- درقلمرو زبان فارسی، وجودیان کامیار، تقی، نشر محقق، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- دیوان اشعار حافظ، شمس الدین محمد، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، زوار، تهران، ۱۳۷۰.
- دیوان اشعار خاقانی شروانی، به کوشش ضیالله سجادی، زوار، تهران، ۱۳۵۷.
- دیوان اشعار عطار نیشابوری، فریدالدین، به کوشش تقی تفضلی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۶.
- دیوان اشعار منوچهری دامغانی، محمد دبیرسیاقی، نشر زوار، تهران، ۱۳۷۵.
- دیوان اشعار ناصر خسرو، به کوشش مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- دیوان انوری، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.



- **دیوان جامی**، نورالدین عبدالرحمن، با مقدمه و اشراف محمد روشن، انتشارات نگاه، ۱۳۸۰.
- **دیوان خاقانی**، تصحیح ضیال الدین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۶۹.
- **دیوان سنایی غزنوی**، به سعی و اهتمام مردم‌رس رضوی، انتشارات سنایی، تهران.
- **دیوان شمس تبریزی**، با مقدمه بدیع‌الزمان فروزانفر، حواشی و تعلیقات: م. درویش، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۱.
- **سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی**، بهار، محمدتقی، نشر زوار، تهران.
- **سبک‌شناسی شعر**، شمیسا، سپروس، نشر فردوس، تهران، ۱۳۷۴.
- **سبک‌شناسی نثر**، شمیسا، سپروس، نشر میترا، تهران، ۱۳۷۷.
- **شاہنامه فردوسی**، به کوشش سید محمد دیرسیاقي، چاپ سوم، انتشارات علمي، ۱۳۶۱.
- **عرضوں فارسی (شیوه‌های نوبرای آموزش عروض و قافیہ)**، ماهیار، عباس، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۸.
- **صور خیال در شعر فارسی**، شفیعی کدکنی، محمد رضا، انتشارات آگاه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
- **فارسی عمومی**، فتوحی، محمود، انتشارات سخن، تهران، چاپ چهل و پنجم، ۱۳۹۰.
- **فنون بالغت و صناعات ادبی**، همایی، جلال الدین، مؤسسه نشر هما، تهران، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۷.
- **کلیات سبک‌شناسی**، شمیسا، سپروس، انتشارات فردوس، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
- **کلیات سعدی**، سعدی شیرازی، ابو عبدالله شرف‌الدین مصلح، به کوشش محمدعلی فروغی، عباس اقبال آشتیانی، نشر جاویدان، تهران، ۱۳۷۱.
- **کلیات دیوان وحشی بافقی**، با تصحیح محمد عباسی، ناشر فخر رازی، ۱۳۶۸.
- **کلیات سوگاتمه عاشورایی فدایی**، فدایی مازندرانی، میرزا محمود، به کوشش فریدون اکبری شلدره، انتشارات فرتات، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
- **کلیله و دمنه**، انشای ابوالمالع نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، انتشارات امیرکبیر، ج بیست و پنجم، تهران، ۱۳۸۳.
- **گنج سخن (شاعران بزرگ پارسی گوی و منتخب آثارشان)**، صفا، ذبیح‌الله، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ ۱۳۷۴.
- **گنجینه سخن (بارسی نویسان بزرگ و منتخب آثارشان)**، صفا، ذبیح‌الله، نشر امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
- **مثنوی معنوی**، مولوی، جلال الدین محمد، تصحیح نیکلسان، با مقدمه قمعلی سرامی، انتشارات بهزاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- **مجموعه آثار فخرالدین عراقی**، به تصحیح و توضیح محتشم (خزاعی)، نسرین، انتشارات زوار، ۱۳۷۲.
- **مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور**، تهران، مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- **موسیقی شعر**، شفیعی کدکنی، محمد رضا، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۸.
- **نیایش نامه**، برگزیده‌ای از نیایش‌های ادیان و فرهنگ‌ها، رضا باقریان، تهران مؤسسه فرهنگی دین - پژوهی شراء، ۱۳۷۸.
- **وزن شعر فارسی**، خانلری، بروز، انتشارات توسعه، تهران، ۱۳۶۷.
- **وزن و قافیه شعر فارسی**، وحیدیان کامیار، تقی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۴.
- **موسیقی شعر**، شفیعی کدکنی، محمد رضا، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۸.



معلمان محترم، صاحب‌نظران، دانش‌آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴، گروه درسی مربوطه یا پیام نگار (Email) talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری